

بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی و سودمند بودن ارزش اطلاعات حسابداری افشاء شده شرکت‌ها بر قیمت بازار سهام

حسین جوکار^۱

نورالله صالحی^۲

سجاد حمزه نژادی^۳

چکیده

مطالعات متعددی در بورس اوراق بهادار تهران به بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی یا اطلاعات حسابداری بر قیمت سهام پرداخته‌اند؛ اما مطالعات کمی تأثیر همزمان کیفیت حسابرسی و اطلاعات حسابداری بر قیمت سهام را بررسی کرده‌اند؛ از اینرو هدف اصلی این پژوهش، بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی و سودمند بودن ارزش اطلاعات حسابداری بر قیمت بازار سهام است. کیفیت حسابرسی بوسیله متغیرهای مشاهده‌پذیر نوع گزارش‌ها و اندازه حسابرس اندازه‌گیری می‌شود و برای سنجش اطلاعات حسابداری دو متغیر سود هر سهم و ارزش دفتری هر سهم در نظر گرفته شده است. برای دستیابی به اهداف پژوهش، نمونه‌ای متشکل از ۸۴۰ سال-شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۶ با استفاده از روش داده‌های ترکیبی بررسی شده است. نتایج پژوهش نشان داد سود هر سهم از جمله اطلاعات مربوط و قابل اتکا در تصمیمات سرمایه‌گذاران است و نوع اظهارنظر حسابرس، اعتماد سرمایه‌گذاران به سود گزارش شده توسط شرکت را تقویت می‌کند. همچنین نتایج نشان داد کیفیت حسابرسی و ارزش‌های مربوط به اطلاعات حسابداری با قیمت سهام دارای ارتباط معناداری هستند. علاوه بر این، نتایج نشان داد کیفیت حسابرسی بر سودمندی اطلاعات حسابداری تأثیر می‌گذارد.

واژگان کلیدی: کیفیت حسابرسی، اطلاعات حسابداری، قیمت بازار سهام

طبقه‌بندی موضوعی: G10, G11, G14

۱. کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران. (نویسنده مسئول) abas.jokar1388@gmail.com

۲. استادیار اقتصاد، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران

۳. کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۱- مقدمه

کیفیت حسابرسی و سودمند بودن ارزش‌های مربوط به اطلاعات حسابداری یکی از موضوعات با اهمیت در حوزه بازار سرمایه است؛ چرا که اعتقاد بر این است، کیفیت حسابرسی و ارزش‌های مربوط به اطلاعات حسابداری از عوامل موثر بر تصمیمات سرمایه‌گذاران می‌باشد و ارتباط نزدیکی با یکدیگر در قیمت‌گذاری سهام دارند (Robu and Robu, 2015)؛ از اینرو تجزیه و تحلیل پیامدهای کیفیت حسابرسی و ارزش‌های مربوط به اطلاعات حسابداری بر قیمت بازار سهام همواره مورد توجه و علاقه مدیران، تحلیل‌گران مالی، سرمایه‌گذاران و سهام‌داران است.

در همین راستا، موضوع سودمند بودن کیفیت حسابرسی و ارزش‌های مربوط به اطلاعات حسابداری از نظر تصمیم‌گیری، محققان حسابداری را در مسیری قرار داد که دست به تحقیقات تجربی بزنند (اسکات، ۱۳۹۴، ۲۳۶). مطالعات پیرامون کیفیت حسابرسی و ارزش‌های مربوط به اطلاعات حسابداری از نظر سودمندی برای سرمایه‌گذاران، به شیوه تجربی از طریق وجود همبستگی یا نبودن آن با تغییرات قیمت بازار سهام مورد تحقیق قرار می‌گیرد. با وجود مشکلاتی که بر سر راه طرح‌ریزی تحقیقات تجربی، مانند استفاده از داده‌های تاریخی قرار دارد تا بتوان بدان وسیله موضوع سودمند بودن کیفیت حسابرسی و اطلاعات حسابداری را به بوته آزمایش گذاشت، تمرکز تحقیقات بر این پایه استوار است که قیمت بازار سهام در برابر کیفیت حسابرسی و اطلاعات حسابداری واکنش نشان می‌دهد (Ittonen, 2012). در این مطالعات، کیفیت حسابرسی و اطلاعات حسابداری تنها در صورتی برای سرمایه‌گذاران ارزش دارد که شواهدی مبنی بر یک پاسخ قیمتی نسبت به این اطلاعات جدید وجود داشته باشد (ولک، ۱۳۹۴، ۱۶۹).

تجزیه و تحلیل کیفیت حسابرسی بر قیمت بازار سهام از طریق محرک‌ها و عوامل کیفی نهفته در حسابرسی انجام می‌شود (Boone, Khurana and Raman, 2010; Ittonen, 2012). تحقیقات نظری و تجربی پیشین در حسابرسی نشان می‌دهند که در ارتباطات میان حسابرسی و کاربرانش، نوع گزارش‌های حسابرسی و اندازه حسابرس محرک‌های قابل فهم‌تری برای استفاده‌کنندگان حسابرسی است و به عنوان منبع اطلاعاتی مرتبط‌تری توسط کاربران مورد قبول می‌باشد که بر روی تصمیمات آن‌ها در بازار سرمایه تاثیر می‌گذارد (Robu and Robu, 2015).

از دیدگاه نظری، ارزش گزارش‌ها و اظهارنظر حسابرسان از این حقیقت نشأت می‌گیرد که حسابرسی یک مکانیزم کشف‌کننده تحریفات با اهمیت است و دارای نقش اعتباردهی است؛ لذا نوع گزارشات و اظهارنظر حسابرسان می‌تواند یکی از منابع مورد اعتماد و تضمینی برای سرمایه‌گذاران باشد؛ اما مطالعات

تجربی در مورد ارزش افزوده گزارش‌های حسابرسی و تأثیرگذاری نوع اظهارنظر حسابرسان بر قیمت بازار سهام شرکت‌ها به دو دیدگاه متضاد تقسیم می‌شود: مطالعاتی که نشان دهنده مربوط بودن گزارش‌ها و نوع اظهارنظر حسابرسان است (Loudder and Khurana, 1992; Ittonen, 2012; Robu and Robu, 2015) و مطالعاتی که تأکید بر عدم تأثیر گزارش‌ها و نوع اظهارنظر حسابرسان بر روی قیمت بازار سهام شرکت دارد و آن را به عنوان یک نتیجه از غیر مربوط بودن گزارش‌های حسابرسانی می‌داند (Schaub, & Highfield, 2003; Pucheta, et al., 2004; Beneish, et al., 2008).

از سوی دیگر، استدلال ادبیات موجود در مورد اینکه اندازه موسسات حسابرسانی عاملی مهم در تصمیمات سرمایه‌گذاران است به این دلیل است که موسسات حسابرسانی بزرگتر به دلیل درآمد بیشتر، کمتر وابسته به مشتریان خود هستند؛ در نتیجه بهتر می‌توانند در برابر فشار مشتری برای مدیریت سود یا صدور یک اظهارنظر حسابرسانی فاقد صلاحیت مقاومت کنند (Ittonen, 2012)؛ لذا گزارش‌های منتشر شده از سوی موسسات حسابرسانی بزرگتر اطلاعات را بی‌طرفانه و واقعیات را دقیق‌تر منعکس می‌کنند و نقش مهمی بر روی تصمیمات سرمایه‌گذاران در قیمت بازار سهام دارند؛ بنابراین حسابرسانی صورت‌های مالی که توسط شرکت‌های حسابرسانی با اندازه بزرگ انجام شود، می‌تواند نشان دهنده یکی از عوامل تأثیرگذار بر فرایند اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاران در قیمت بازار سهام باشد.

به طور کلی اگر چه از دیدگاه نظری نوع اظهارنظر حسابرسان و اندازه حسابرسان می‌تواند نقش مهمی در روند ارتباطات میان قیمت بازار سهام یک شرکت و تصمیمات سرمایه‌گذاران ایفا نماید (Robu and Robu, 2015)؛ اما از دیدگاه تجربی، اینکه آیا نوع اظهارنظر حسابرسان و بزرگی یا کوچکی بودن موسسه حسابرسانی تا چه میزان بر فرایند تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران در قیمت‌گذاری سهام یک شرکت تأثیرگذار می‌باشد، همچنان به صورت یک سوال تجربی جالب و باز باقی مانده است. در بررسی تأثیر ارزش‌های مربوط به اطلاعات حسابداری بر قیمت بازار سهام، بررسی تأثیر اطلاعات حسابداری از آن جهت مهم است که طیف گسترده‌ای از مطالعات تجربی که قدمت آن‌ها به پژوهش بال و بران (Ball and Brown, 1968) بر می‌گردد، شواهد قانع‌کننده‌ای از تأثیر آمار و ارقام حسابداری گزارش شده توسط شرکت‌ها بر قیمت بازار سهام ارائه می‌کنند و نشان می‌دهند، ارزش‌های مربوط به اطلاعات حسابداری دارای این قدرت هستند که بتوانند تصمیمات سرمایه‌گذاران در پیش‌بینی قیمت سهام را تحت تأثیر قرار دهند (Zhu and Niu, 2016)؛ از اینرو اطلاعات حسابداری گزارش شده به وسیله یک شرکت، یکی از عوامل موثر بر تصمیمات سرمایه‌گذاران است که می‌تواند بر

تصمیمات سرمایه‌گذاران در قیمت‌گذاری سهام شرکت‌ها تأثیرگذار باشد (Cornell, Landsman and Stubben, 2014).

سودمندی اطلاعات حسابداری از طریق تأثیر بر روی تصمیمات سرمایه‌گذاران در بازار سرمایه بررسی می‌شود. بیشتر مطالعات پیرامون تأثیر اطلاعات حسابداری بر قیمت بازار سهام، به تحلیل تأثیر اطلاعات حسابداری که ناشی از عوامل اقتصادی خرد است، پرداخته‌اند (Merchant, 2006) و مدل‌های قیمت‌گذاری متعددی برای تحلیل اطلاعات حسابداری بر قیمت سهام ارائه شده است؛ اما یکی از روش‌های تحلیل اطلاعات حسابداری بر قیمت سهام که به طور گسترده‌ای در مطالعات پیشین مورد استفاده قرار گرفته است، مدل ازریابی سود باقی‌مانده است (Zhu and Niu, 2016). السن (Ohlson, 1995) مدل ازریابی سود باقی‌مانده را اجرا کرد و نشان داد، از میان ارزش‌های مربوط به اطلاعات حسابداری، مقیاس‌های سودآوری و ارزش دفتری هر سهم، ارزش‌های مربوط به اطلاعات حسابداری را بهتر نشان می‌دهند و توانایی و قدرت توضیح‌دهندگی بیشتری از تغییرات قیمت سهام را دارند. (Ran, 2011; Cornell, et al., 2014; Zhu and Niu, 2016). علاوه بر این، بال و بران (Ball and Brown, 1968) و ناصر و همکاران (Naser, et al., 2006) نیز نشان دادند ارزش‌های مربوط به سود توانایی بیشتری در توضیح تغییرات قیمت سهام دارد؛ لذا به نظر می‌رسد این دو مقیاس از منظر استفاده‌کنندگان برای تصمیم‌گیری با ارزش و سودمند هستند و آمار و ارقام حسابداری گزارش شده توسط شرکت‌ها پیرامون این دو مقیاس می‌تواند بر تصمیمات سرمایه‌گذاران در جهت خرید یا نگهداری سهام و به تبع آن قیمت بازار سهام تأثیرگذار باشد. از سوی دیگر، پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد موضوع کیفیت حسابرسی و سودمند بودن اطلاعات حسابداری نمی‌توانند جدا از یکدیگر باشند و ارتباط نزدیکی با یکدیگر در قیمت‌گذاری سهام دارند (Mark, Christopher and Woon; 2009; Ran, 2011; Robu and Robu, 2015). با این وجود مطالعات کمی به بررسی تأثیر همزمان کیفیت حسابرسی و ارزش‌های مربوط به اطلاعات حسابداری بر قیمت بازار سهام پرداخته‌اند؛ بنابراین در این پژوهش اثرات متقابل کیفیت حسابرسی و ارزش‌های مربوط به اطلاعات حسابداری بر قیمت بازار سهام نیز گنجانده شده است.

بررسی همزمان کیفیت حسابرسی و ارزش‌های مربوط به اطلاعات حسابداری بر قیمت بازار سهام از آن جهت مهم است که ارزش افزوده ایجاد شده به وسیله حسابرسی شمشیری دو لبه است. اگر حسابرسی به طور شایسته توسط افرادی انجام شود که از صلاحیت حرفه‌ای برخوردار نباشند و استفاده‌کنندگان به بی‌صلاحیتی حسابرس واقف باشند بر اظهارنظر وی اتکا نمی‌کنند و از گزارشات

حسابرسی در تصمیمات خود استفاده نمی‌کنند و حسابرسی ارزش افزوده‌ای نخواهد داشت؛ ولی زمانی که علیرغم بی‌صلاحیتی حسابرس، استفاده‌کننده اطلاعات ناآگاهانه به اظهارنظر وی اتکا می‌کند، زیان بالقوه ناشی از این اتکا بسیار جدی‌تر است، جدی‌تر بودن زیان به این دلیل است که قبول قضاوت حسابرس ممکن است منجر به تصمیم‌گیری غیر بهینه متکی به اطلاعاتی باشد که در باور استفاده‌کننده قابلیت اعتماد دارند، حال آن که این باور موجه نیست. این امر سرانجام از اعتماد استفاده‌کنندگان نسبت به حسابرسی می‌کاهد و بر موثر بودن نقش ارزش افزوده حسابرسی در جامعه تأثیر منفی خواهد داشت (نیکخواه آزاد، ۱۳۹۴).

با توجه به آنچه بیان شد در این پژوهش تلاش شده با استفاده معیارهای مشاهده‌پذیری از کیفیت حسابرسی و اطلاعات حسابداری که دارای پشتوانه نظری نیز باشند، معیار جامعی ارائه شود و به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود. آیا کیفیت حسابرسی بر قیمت سهام تأثیر می‌گذارد. آیا اطلاعات حسابداری بر قیمت سهام تأثیر می‌گذارد. آیا کیفیت حسابرسی و اطلاعات حسابداری به طور همزمان بر قیمت سهام تأثیر می‌گذارند. آیا کیفیت حسابرسی بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری تأثیر می‌گذارد.

۲- مبانی نظری و توسعه فرضیه‌ها

تعداد زیادی از دانشگاهیان، نهادهای حرفه‌ای و تنظیم‌کننده‌ها تلاش کرده‌اند کیفیت حسابرسی واقعی را تعریف کنند؛ اما معمول‌ترین تعریف از کیفیت حسابرسی تعریف دی آنجلو (DeAngelo, 1981) است. دی آنجلو، کیفیت حسابرسی را سنجش و ارزیابی بازار از توانایی حسابرسی در کشف تحریف‌های با اهمیت و گزارشگری تحریفات کشف شده، تعریف کرده است. طبق تعریف دی آنجلو، کیفیت حسابرسی، افزایش توانایی حسابرسی در کشف تحریفات حسابداری و ارزیابی توانایی و استقلال حسابرس توسط بازار است. وقتی دی آنجلو این مفاهیم را به کار گرفت، فرض اساسی وی این بود که بازار، کیفیت حسابرسی را درک می‌کند (شمس‌الدینی و همکاران، ۱۳۹۶).

مطالعات تجربی در مورد ارزش افزوده حسابرسی و تأثیرگذاری کیفیت حسابرسی بر قیمت بازار سهام به دو دیدگاه متضاد تقسیم می‌شود. مطالعاتی که نشان دهنده سودمندی حسابرسی هستند (Ittonen, 2012; Robu and Robu, 2015) و مطالعاتی که بر عدم تأثیر حسابرسی بر قیمت سهام تأکید می‌ورزند (Pucheta, et al., 2004; Beneish, et al., 2008).

پژوهشگرانی که در این زمینه به آنالیز و اجرای پژوهش پرداخته‌اند اغلب از عواملی مانند: عوامل محیطی (مانند قوانین و مقررات سازمانی)، خروجی (مانند محتوا و نوع گزارش حسابرس)، اعتبار و اندازه حسابرس، انتظارات از حسابرسان، ارتباط و تعامل حسابرس، استراتژی‌های مدیریت ریسک حسابرسی و حق الزحمه خدمات حسابرسی به عنوان عوامل کیفیت حسابرسی در تجزیه و تحلیل قیمت بازار سهام استفاده کرده‌اند (Paula and Francisco, 2016)؛ اما در رابطه با کیفیت حسابرسی یک مشکل مشهود وجود دارد و آن غیر قابل مشاهده بودن و ادراکی بودن کیفیت حسابرسی است.

کیفیت حسابرسی از دو بعد شهرت و نظارت تشکیل شده است که بعد شهرت به صلاحیت و استقلال ادراک شده از حسابرسی و بعد نظارت به صلاحیت و استقلال واقعی از حسابرسی توسط ذینفعان اشاره می‌کند (Watkins, Hillison and Morecroft, 2004)؛ لذا در این پژوهش برای در نظر گرفتن هر دو بعد حسابرسی و به پیروی از تحقیقات پیشین (Mark, Christopher and Woon; 2009; Ittonen, 2012; Robu and Robu, 2015) از اندازه حسابرس به عنوان بعد صلاحیت و استقلال ادراک شده از حسابرسی و گزارشات حسابرس به عنوان بعد صلاحیت و استقلال واقعی حسابرسی، برای بررسی عوامل کیفیت حسابرسی بر قیمت بازار سهام استفاده شده است.

ادبیات موجود بر حسب محتوای گزارش حسابرسی، روی مهم‌ترین دلایلی که ممکن است بر قیمت بازار سهام تأثیر بگذارد، تأکید می‌ورزد و سه دلیل اصلی برای این موضوع که چرا گزارش حسابرس می‌تواند بر روی قیمت‌های بازار سهام تأثیرگذار باشد را بیان می‌کند (Robu and Robu, 2015). اول، گزارش حسابرسی می‌تواند حاوی اطلاعاتی باشد که برآوردها و مخاطرات جریان‌های نقدی آینده و اطلاعاتی که برای سهامداران مهم است را تحت تأثیر قرار دهد. هر اطلاعاتی که بر روی این مؤلفه‌ها اثرگذار باشد مربوط به تصمیمات سرمایه‌گذاران می‌شود. دوم، گزارش حسابرسی در قالب یک گزارش می‌تواند شامل اطلاعات قابل توجهی در مورد تداوم و ادامه فعالیت شرکت باشد. این موقعیت برای سرمایه‌گذارانی که می‌دانند حسابرسان به اطلاعات داخلی شرکت‌ها دسترسی دارند و گزارش حسابرسی منعکس کننده اطلاعات خصوصی است، می‌تواند دلگرم کننده باشد، به نوعی اظهارنظر حسابرس می‌تواند تضمینی برای سرمایه‌گذاران باشد. سوم، نوع اظهارنظر حسابرس می‌تواند از لحاظ روان شناختی بر روی تصمیمات سرمایه‌گذاران در ارزش‌گذاری قیمت سهام یک شرکت تأثیرگذار باشد.

یکی دیگر از عوامل کیفیت حسابرسی که می‌تواند بر قیمت بازار سهام تأثیرگذار باشد، اندازه موسسه حسابرسی است (DeAngelo, 1981; Robu and Robu, 2015). اندازه موسسه حسابرسی

به این دلیل می‌تواند نشان دهنده کیفیت حسابرسی باشد که ممکن است، سرمایه‌گذاران کیفیت خدمات حسابرسی را بر حسب تصور خود، از شهرت و اندازه موسسه حسابرسی درک کنند (Boone, Khurana and Raman, 2010)؛ لذا اگر هدف یک شرکت افزایش قیمت سهامش باشد، می‌تواند یک موسسه حسابرسی بزرگ و شناخته شده توسط سرمایه‌گذاران را انتخاب کند و با این انتخاب تصمیمات سرمایه‌گذاران را تحت تأثیر قرار دهد و باعث تغییر در قیمت سهام شرکت شود (Robu and Robu, 2015).

موسسه حسابرسی بزرگ را می‌توان، یک موسسه حسابرسی که به کارمندان و حساب‌رسانش اجازه می‌دهد زمان بسیار زیادی را برای آموزش و آشنا شدن با تازه‌ترین تکنولوژی‌ها بگذرانند و در نتیجه شایستگی حرفه‌ای خود را توسعه دهند، در نظر گرفت (Ittonen, 2010)؛ از اینرو به نظر می‌رسد موسسات حسابرسی در گروه‌های بزرگ، خدمات حسابرسی با کیفیت و با تضمین بیشتری ارائه می‌کنند و این احتمال را که صورت‌های مالی ممکن است نتیجه، تقلب یا عملیات مدیریت باشد را کاهش می‌دهند و صورت‌های مالی حسابرسی شده را بر حسب اطلاعات بی‌طرفانه، کامل و بدون خطا در مقایسه با صورت‌های مالی که توسط سایر موسسات حسابرسی، حسابرسی شده‌اند، ارائه می‌کنند.

به طور کلی، این استدلال که اندازه موسسات حسابرسی و گزارش‌های مالی ارائه شده توسط این موسسات را محرک اصلی و عاملی مهم در کیفیت حسابرسی می‌داند به این دلیل است که موسسات حسابرسی بزرگتر به دلیل درآمد بیشتر کمتر وابسته به مشتریان خود می‌باشند، در نتیجه بهتر می‌توانند در برابر فشار مشتری برای مدیریت سود یا صدور یک اظهار نظر حسابرسی فاقد صلاحیت مقاومت کنند. همچنین، موسسات حسابرسی دارای حسن شهرت و بزرگتر برای حفظ نام تجاری خود شدیداً بر روی فن‌آوری آموزش و حسابرسی خرج می‌کنند تا بدین وسیله اعتبار و شایستگی خود را در بین مشتری‌هایشان حفظ نمایند. چرا که هزینه‌های از دست دادن شهرت به حساب‌رسان بزرگ، انگیزه لازم را برای حفظ استقلال‌شان می‌دهد تا آنها کیفیت حسابرسی را مطابق با شهرت و نام تجاری خود ارائه دهند (Ittonen, 2012).

با توجه به آنچه بیان شد از مهمترین موارد مورد بحث در حوزه کیفیت حسابرسی، نوع گزارش و اندازه حساب‌رسان است که می‌تواند به عنوان ابزاری جهت هدایت سرمایه استفاده شود. به بیانی دیگر، نوع اظهار نظر حساب‌رسان و اندازه حساب‌رسان به عنوان عوامل کیفیت حسابرسی می‌تواند بر تصمیمات سرمایه‌گذاران تأثیرگذار باشند و تغییرپذیری قیمت بازار سهام شرکت‌ها را توضیح دهند؛ لذا فرضیه اول پژوهش به صورت زیر بیان می‌شود.

فرضیه اول: کیفیت حسابداری بر قیمت سهام تأثیر می‌گذارد.

هدف‌های گزارشگری مالی ایجاب می‌کند اطلاعاتی که گزارشگری مالی تولید می‌کند، از نظر تصمیم‌گیری برای استفاده‌کنندگان دارای ارزش باشد. ارزش اطلاعات حسابداری از این حقیقت نشأت می‌گیرد که اطلاعات حسابداری می‌تواند بر قیمت سهام و به تبع آن در ارزش بازار حقوق مالکان تأثیرگذار باشد (Boone, Khurana and Raman, 2010)؛ اگر هیچ ارتباطی بین ارزش شرکت و ارقام موجود در صورت‌های مالی وجود نداشته باشد، چنین صورت‌های مالی هیچ ارزش اطلاعاتی نخواهد داشت و استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی از آنها در تصمیم‌گیری خود استفاده نمی‌کنند.

بر اساس ادبیات موجود، اقلام موجود در صورت سود و زیان، ترازنامه و صورت جریان وجوه نقد به عنوان اطلاعات حسابداری یا مقیاس حسابداری شناخته می‌شوند و هیئت تدوین استانداردهای حسابداری آمریکا، برای انتخاب از بین اطلاعات و مشخص کردن اطلاعات با ارزش و سودمند از سایر اطلاعات، دو ویژگی کیفی مربوط بودن و قابل اتکا بودن را ارائه کرده است. به عبارتی دیگر، از دیدگاه هیئت تدوین استانداردهای حسابداری آمریکا، اطلاعات حسابداری در صورتی از منظر استفاده‌کنندگان برای تصمیم‌گیری با ارزش می‌باشد که حاوی دو ویژگی مربوط بودن و قابل اتکا بودن باشد؛ اما به طور کلی هنگامی که اطلاعات حسابداری در تصمیمات سرمایه‌گذاران و قیمت‌های سهام تأثیرگذار باشد، گفته می‌شود اطلاعات حسابداری ارائه شده سودمند و دارای ارزش اطلاعاتی هستند (Rani, 2011)؛ با این حال اینکه کدام یک از اطلاعات حسابداری و چه میزان از اطلاعات حسابداری سودمند هستند و دارای ارزش اطلاعاتی هستند، همواره به صورت یک سوال تجربی جالبی باقی مانده است؛ چرا که بررسی مقدار مربوط بودن و قابل اتکا بودن اطلاعات حسابداری به دلیل کمی بودن این دو معیار بسیار مشکل است و بررسی آن‌ها به قضاوت افراد بستگی دارد.

ارزش اطلاعات حسابداری از دیدگاه سرمایه‌گذاران از طریق تحقیقات تجربی مورد آزمون قرار می‌گیرد. تحقیقات تجربی ارزش اطلاعات حسابداری را از طریق تأثیر اقلام موجود در صورت‌های مالی منتشر شده توسط شرکت بر تصمیمات سرمایه‌گذاران بررسی می‌کنند. به بیانی دیگر، سودمندی اطلاعات حسابداری از طریق تأثیر بر روی تصمیمات سرمایه‌گذاران در بازار سرمایه، بر بازده و قیمت سهام بررسی می‌شود.

در همین راستا مطالعات پیشین از اطلاعات حسابداری مختلفی برای بررسی تأثیر اطلاعات حسابداری بر قیمت سهام استفاده کرده‌اند. طیف گسترده‌ای از تحقیقات تجربی که قدمت آنها به پژوهش بال و بران (Ball and Brown, 1968) بر می‌گردد، شواهد قانع‌کننده‌ای از تأثیر اطلاعات

حسابداری بر قیمت سهام ارائه می کنند و بیان می کنند، اطلاعات حسابداری دارای این قدرت هستند که بتوانند تصمیمات سرمایه گذاران در پیش بینی قیمت سهام را تحت تأثیر قرار دهند؛ به عنوان مثال بال و بران (Ball and Brown, 1968) از سود حسابداری برای وجود همبستگی بین قیمت سهام و اطلاعات حسابداری استفاده کردند و همبستگی بین قیمت سهام و اطلاعات حسابداری را تأیید کردند.

با این وجود بیشتر مطالعات پیرامون تأثیر اطلاعات حسابداری بر بازده سهام، به تحلیل تأثیر اطلاعات حسابداری که ناشی از عوامل اقتصادی خرد است، پرداخته اند. تحلیل تأثیر عوامل مالی اقتصاد خرد بر بازده سهام می تواند از طریق تجزیه و تحلیل سنتی با استفاده از نسبت های مالی یا از طریق تحلیلی که از عوامل مشتق شده نظریه ایجاد ارزش، استفاده می کند (ارزش افزوده اقتصادی، ارزش افزوده بازار) و یا تحلیلی که بر مبنای اطلاعات ارائه شده توسط بازار قرار دارند (ارزش بازار، سود هر سهم) صورت گیرد (Merchant, 2006).

با توجه به آنچه بیان شد می توان انتظار داشت اطلاعات حسابداری از منظر استفاده کنندگان برای تصمیم گیری با ارزش و سودمند می باشد و آمار و ارقام حسابداری گزارش شده توسط شرکت ها می تواند بر تصمیمات سرمایه گذاران در ارزش گذاری سهام تأثیر گذار باشد؛ از اینرو بر مبنای سوالات و مبانی نظری، فرضیه دوم پژوهش به صورت زیر تدوین شده است.

فرضیه دوم: اطلاعات حسابداری بر قیمت سهام تأثیر می گذارد.

اخیراً، لمبرت و همکاران (Lambert, 2007) نشان دادند کیفیت اطلاعات حسابداری برای بازده مورد انتظار سرمایه گذاران اهمیت دارد و امکان ندارد کیفیت اطلاعات حسابداری مستقل از عامل ریسک باشد؛ در نتیجه اطلاعات حسابداری می تواند قیمت سهام را تحت تأثیر قرار دهد. منطبق با این موضوع، حسابرسان به عنوان یک مکانیزم کشف کننده تحریفات بااهمیت می تواند موجب بهبود کیفیت اطلاعات و در نتیجه کاهش ریسک سرمایه گذاری و تصمیم گیری های بهینه برون سازمانی گردد (پورحیدری و برهانی نژاد، ۱۳۹۴)؛ از اینرو در بررسی رابطه بین اطلاعات حسابداری و قیمت بازار سهام یکی از سوالات اصلی که همواره مطرح است، این است که آیا تأثیر اطلاعات حسابداری بر قیمت سهام بسته به نوع کیفیت حسابداری متفاوت است یا خیر؟

در همین راستا، پژوهش هایی به بررسی تأثیر کیفیت حسابداری بر رابطه بین اطلاعات حسابداری و قیمت بازار سهام پرداخته اند. پژوهش های پیشین (Becker et al 1998; Francis and Schipper

(Boone et, al, 2010; 1999 تلاش کرده‌اند تا کیفیت حسابرسی را به سودمند بودن اطلاعات حسابداری پیوند دهند و نشان دهند، حسابرسی برای اطلاعات حسابداری ارزش افزوده ایجاد می‌کند. در این محیط، پژوهش‌ها نشان می‌دهد حسابرسی در مهار فرصت طلبی مدیران در مدیریت سود موثر است و در نتیجه قادر است اعتبار بیشتری به سود حسابداری و سایر اطلاعات حسابداری گزارش شده بدهد؛ چرا که با توجه به انگیزه مدیران برای دستکاری سود گزارش شده برای کسب منافع خصوصی (مانند پاداش‌ها) و یا معیارهای ارزیابی عملکرد مدیریت، سرمایه‌گذاران ممکن است در مورد اینکه آیا سود گزارش شده توسط مدیران، نتیجه یک برنامه معقول و منطقی و بی طرفانه بر اساس استانداردهای حسابداری است یا خیر، مردد باشند (Ittonen, 2012). در اصل، پژوهش‌های پیشین نقش حسابرسان را به عنوان یک محدودیت بالقوه برای مدیران فرصت طلب و ایجاد اطمینان در سرمایه‌گذاران بیان می‌کنند؛ یعنی افزایش احتمال این که سود گزارش شده به خوبی عملکرد اقتصادی واحد تجاری را ترسیم می‌کند و سرمایه‌گذاران می‌توانند از اطلاعات گزارش شده در قیمت بازار سهام شرکت استفاده کنند.

در همین رابطه، دیدگاهی که از جانب دوپوچ و همکاران (Dopuch et, al, 1987) ارائه شد، نشان می‌دهد واکنش بازار به اطلاعات موجود در گزارش‌های حسابرسی تابعی از اطلاعات در دسترس عموم است. هر چه بازارها کاراتر باشد، واکنش بازار شدیدتر است و هر چه بازار ناکارآمدتر باشد، واکنش بازار کمتر است؛ زیرا در بازارهای ناکارآمد محتویات اطلاعات را می‌توان پیش‌بینی کرد و اطلاعات مالی قابل پیش‌بینی به احتمال زیاد ارزش ناچیزی برای استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی دارند. به بیانی دیگر، واکنش بازار به اطلاعات حسابداری ارائه شده در گزارش حسابرس در گرو کارآمدی یا ناکارآمدی بازار است.

به طور کلی اینکه سرمایه‌گذاران اعتماد بیشتری به حسابرس دارند و در نتیجه در بازار سرمایه، واکنش بیشتری به اطلاعات حسابداری با توجه به کیفیت حسابرسی بدهند، می‌تواند منطقی و درست باشد؛ چرا که در اغلب موارد، سرمایه‌گذاران دانش کافی در مورد کل فعالیت یک شرکت با توجه به ایجاد ارزش برای سهام‌داران یا توزیع سود سهام ندارند؛ از اینرو بر مبنای تجزیه و تحلیل فوق و با توجه به سوالات پژوهش، فرضیه سوم به شرح زیر تدوین شده است.

فرضیه سوم: کیفیت حسابرسی و اطلاعات حسابداری بر قیمت سهام تأثیر می‌گذارد.

آنچه حسابرسی به فرایند گزارشگری می‌افزاید مربوط به کیفیت اطلاعات گزارش شده و نیازهای استفاده‌کنندگان به ارزیابی کیفیت اطلاعات قبل از استفاده از آنهاست. بنابراین، ارزش حسابرسی ارزشی مستقل نیست و تابع ارزش اطلاعات حسابداری گزارش شده است و اینکه اطلاعات حسابداری برای چه مصارفی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد.

اطلاعات حسابداری با کیفیت یکی از منابع مهم اطلاعاتی برای سرمایه‌گذاران است که می‌تواند تأثیر مهمی بر تصمیمات بهینه سرمایه‌گذاران داشته باشد (Yang and Jiang, 2012). کیفیت اطلاعات حسابداری معمولاً حاکی از این است که اطلاعات بر اساس اصول کلی پذیرفته شده نظیر استانداردهای بین‌المللی در حسابداری تولید شده است (شمس‌الدینی و همکاران، ۱۳۹۶).

دستیابی به کیفیت بالای گزارشگری مالی، بستگی به درستی و صحت عمل هر یک از حلقه‌های زنجیره عرضه گزارشگری مالی دارد و حسابرسی مستقل که یکی از حلقه‌های این زنجیر است، تأثیر عمده‌ای در حفظ و تقویت کیفیت گزارشگری مالی دارد (حیدری، قادری و رسولی، ۱۳۹۵). حسابرسی مستقل از طریق ارزش افزوده‌ای که به ابلاغ اولیه اطلاعات مالی از واحد گزارشگر به ذینفعان برون سازمانی اضافه می‌کند، این عمل را انجام می‌دهد. ارزش افزوده حسابرسی تغییری در پایه و اساس فرایند گزارشگری و ارتباط بین استفاده‌کنندگان و تهیه‌کنندگان اطلاعات به وجود نمی‌آورد؛ بلکه آنچه به فرایند گزارشگری مالی می‌افزاید، مربوط به کیفیت اطلاعات گزارش شده است (نیکخواه آزاد، ۱۳۹۴).

ارزش افزوده خدمت حسابرسی از طریق دو بعد کنترلی و اعتبار بخشی حسابرسان مستقل می‌تواند بر کیفیت اطلاعات حسابداری تأثیر بگذارد. از بعد کنترلی، حسابرسی به عنوان عاملی مستقل بر کیفیت اطلاعات حسابداری نظارت دارد و دو دلیل را برای این موضوع شرح می‌دهد: اول، بررسی مستقل میزان تطابق اطلاعات حسابداری با معیارهای از پیش تعیین شده که این معیارها قاعداً باید منعکس‌کننده نیاز و خواسته استفاده‌کنندگان اطلاعات باشد. دوم، ایجاد انگیزه برای تهیه‌کنندگان جهت تولید اطلاعات در چارچوب معیارهای از پیش تعیین شده؛ زیرا تهیه‌کننده می‌داند که مورد حسابرسی قرار خواهد گرفت. از بعد اعتبار بخشی، حسابرسی بر اعتبار اطلاعات می‌افزاید و منجر به حصول اطمینان بیشتر از کیفیت اطلاعات ارائه شده توسط مدیریت به بازار سرمایه می‌شود؛ زیرا استفاده‌کنندگان می‌توانند مطمئن باشند، عوامل کنترلی پیش گفته شده بر فرایند گزارشگری حاکم و باعث بهبود کیفیت اطلاعات شده است؛ در نتیجه استفاده‌کنندگان می‌توانند با ضریب اطمینان بیشتری از اطلاعات استفاده کنند. اعتماد

استفاده کنندگان به اطلاعات و استفاده آنها به شکوفایی کامل ارزش های نهفته در اطلاعات حسابداری منجر می شود. با در نظر گرفتن هر دو بعد کنترلی و اعتبار بخشی حسابرس مستقل می توان بیان کرد که حسابرسی ارزش افزوده ای مضاعف ایجاد می کند که آن را به ابزاری کارآمد باشد در مسیر بهبود و سودمندی اطلاعات مالی تبدیل می کند و هر اندازه کیفیت خدمات حسابرسی بیشتر باشد، اطلاعات حسابداری نیز سودمندتر است (شمس الدینی و همکاران، ۱۳۹۶).

با توجه به تجزیه و تحلیل فوق و بر مبنای سوالات پژوهش، فرضیه چهارم به شرح زیر تدوین شده است.

فرضیه چهارم: کیفیت حسابرسی بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری تأثیر می گذارد.

۳- پیشینه پژوهش

مارک و همکاران (Mark, et al, 2009) طی پژوهشی به بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی و اطلاعات حسابداری بر نرخ بازده سهام پرداختند. تحقیق آنها حاکی از آن بود که رابطه ی معناداری بین دو مولفه اطلاعات حسابداری یعنی سود و جریان های نقدی با نرخ بازده سهام وجود دارد. همچنین نتایج آنها نشان داد که اهمیت هر دو اجزای مولفه اطلاعات حسابداری مشروط به اندازه حسابرس متفاوت است. جنتری و شن (Gentry and Shen, 2009) به این نتیجه رسیده اند از میان عواملی که قیمت های سهام را توضیح می دهند، نسبت بازده حقوق صاحبان سهام بیشترین تأثیر را بر قیمت سهام دارد. همچنین آنها نشان دادند که عوامل مالی سنتی می توانند بر قیمت سهام تأثیرگذار باشند؛ در حالی که حجم معاملات منعکس کننده کوچکترین ضریب همبستگی با قیمت سهام است.

رانی (Rani, 2011) طی پژوهشی به ارتباط متقابل بین ویژگی های کیفیت حسابرسی و ارزش اطلاعات حسابداری که بوسیله ارزش سود هر سهم و ارزش دفتری هر سهم اندازه گیری شده است، پرداخت. وی برای انجام این پژوهش از یک نمونه ۱۰۵ تایی از شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار نیوزیلند در طول سال های ۲۰۰۷-۲۰۰۹ استفاده کرد. نتایج پژوهش در مورد ارتباط اطلاعات حسابداری و اندازه حسابرس بر قیمت سهام نشان داد بین اندازه حسابرس و قیمت سهام رابطه معنادار وجود ندارد؛ اما بین اثرات متقابل اندازه حسابرس و ارزش سود هر سهم بر قیمت سهام رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین، بین اثرات متقابل اندازه حسابرس و ارزش دفتری هر سهم بر قیمت سهام رابطه معنادار وجود ندارد.

لی و لی (Lee and Lee, 2009) به بررسی کیفیت حسابرسی و محتوای ارزشی اطلاعات حسابداری پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد سود و ارزش دفتری هر سهم که توسط پنج شرکت بزرگ حسابرسی بررسی می‌شود، تغییرات در قیمت بازار سهام را بیشتر توضیح می‌دهند؛ بنابراین سود و ارزش دفتری هر سهم که توسط پنج موسسه بزرگ حسابرسی مورد بررسی قرار می‌گیرد، نسبت به سایر مؤسسات حسابرسی دارای محتوای ارزشی بالاتری است و عضویت حسابرس در بیگ ۵ بطور مثبت بر تصمیمات سرمایه‌گذاران تأثیر می‌گذارد. دلیل این امر را می‌توان اعتمادی دانست که سرمایه‌گذاران به شرکت‌های بزرگ حسابرسی دارند.

رابو و رابو (Robu and Robu, 2009) طی پژوهشی به بررسی مربوط بودن گزارش‌های حسابرسی و اطلاعات حسابداری گزارش شده توسط شرکت‌های رومانیایی بر بازده سهام پرداختند، آنها با استفاده از یک نمونه ۵۹ تایی از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار بخارست طی سال ۲۰۱۲ به این نتیجه رسیدند بازده سهام شرکت‌ها بطور مستقیم و مثبت تحت تأثیر نوع اظهارنظر حسابرس در گزارش‌های حسابرسی و عضویت حسابرس در بیگ ۴ قرار دارد.

اگونتا و همکاران (Ugwunta, et al, 2018) به بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر قیمت سهام شرکت‌های نفت و گاز در نیجریه با استفاده از تجزیه و تحلیل رگرسیون پرداختند. یافته‌های پژوهش آنها نشان داد ترکیب کمیته حسابرسی و نوع حسابرس تأثیر قابل توجهی بر قیمت بازار سهام دارد. آنها به این نتیجه رسیدند در حالی که نوع حسابرس، استقلال حسابرس و ترکیب کمیته حسابرسی رابطه مثبت و معناداری با قیمت بازار سهام دارد، دوره تصدی حسابرس رابطه منفی با قیمت بازار سهام دارد. به طور کلی یافته‌ها آنها موید این دیدگاه است که کیفیت حسابرسی بر قیمت سهام تأثیر می‌گذارد.

مرادزاده فرد و همکاران (۱۳۹۰) به بررسی تأثیر نوع حسابرس بر مربوط بودن ارزش سود حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. یافته‌های آنها با استفاده از یک نمونه ۶۸ تایی از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۸ حاکی از آن بود شرکت‌هایی که توسط مؤسسات حسابرسی کوچک رسیدگی می‌شوند، رقم سود حسابداری آنها مربوط تر است. یعنی گزارش حسابرسی شرکت‌هایی که توسط مؤسسات حسابرسی بزرگ رسیدگی می‌شوند نسبت به مؤسسات حسابرسی کوچک، ارقام سود حسابداری آنها مربوط تر است.

بنی مهد و احمدی (۱۳۹۱) طی پژوهشی به بررسی تحلیلی سودمندی گزارش‌های حسابرسی در بازار سرمایه پرداختند. مطالعه آنها مروری بر مطالعات صورت گرفته در حوزه سودمندی گزارش‌های حسابرسی در بازار سرمایه در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه طی دوره ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۲

بود. نتایج حاکی از این است که سودمندی گزارش حسابرسی را می توان از طریق بررسی واکنش بازار به گزارش حسابرسی و همچنین، بررسی مربوط بودن این گزارش ها در تصمیم گیری استفاده کنندگان را مورد تحلیل قرار داد. نتایج حاصل از این پژوهش ها ضرورت توجه به انجام پژوهش پیرامون بررسی واکنش بازار سرمایه به گزارش حسابرسی از دیدگاه بلندمدت و بررسی تأثیر پدیده های حسابرسی همچون کیفیت حسابرسی، نوع حسابرسی، دوره تصدی حسابرسی، تغییر حسابرسی و غیره بر مربوط بودن گزارش های حسابرسی را نمایان ساخت.

پورحیدری و برهانی نژاد (۱۳۹۴) طی پژوهشی به بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر به موقع بودن گزارش حسابرسی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۱ پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد بین تخصص حسابرس در صنعت و به موقع بودن گزارش حسابرس ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین، بین اندازه حسابرسی و به موقع بودن گزارش حسابرس ارتباط معناداری وجود ندارد. علاوه بر این، بین اندازه شرکت، فرصت های رشد و بازده دارایی ها با به موقع بودن گزارش حسابرس ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد؛ ولی بین اهرم مالی و به موقع بودن گزارش حسابرس ارتباطی مشاهده نگردید.

فغانی ماکرانی (۱۳۹۴) میزان مربوط بودن ارزش دفتری، سود حسابداری و جریانهای نقد با قیمت سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار داد. نتایج پژوهش وی نشان داد که مربوط بودن ارزش دفتری بیشتر از سود حسابداری و جریان های نقدی با قیمت سهام می باشد و این مربوط بودن با گذشت زمان کاهش می یابد.

قیم عثمانی و حسینی (۱۳۹۶) به بررسی تأثیر اندازه حسابرس بر بار ارزشی سود و حقوق صاحبان سرمایه در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. یافته های پژوهش آنها نشان داد در سطح کل شرکت ها، تأثیر اثر تعاملی اندازه مؤسسات حسابرسی در ارزش دفتری هر سهم جهت تبیین بازده سهام برخالف مبانی نظری، منفی و معنی دار است. در سایر موارد، اندازه حسابرس بر بار ارزشی سود و حقوق صاحبان سرمایه تأثیر نداشته است. دیگر نتایج حاکی از تأثیر مثبت و معنی دار ارزش دفتری هر سهم و سود تقسیمی هر سهم بر بازده و قیمت سهام است.

۴- روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و بر مبنای روش از نوع همبستگی با رویکرد رگرسیونی است که در آن برای آزمون مدل های پژوهش از تحلیل رگرسیون چند متغیره مبتنی بر داده های ترکیبی استفاده

شده است. جامعه آماری پژوهش شامل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که کلیه شرایط ذیل را دارا باشند. تا پایان اسفند ماه سال ۱۳۸۵ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده و سال مالی آن منتهی به پایان اسفند ماه باشد؛ به دلیل ماهیت متفاوت جزء موسسه‌های مالی، سرمایه‌گذاری و بانک‌ها نباشند؛ اطلاعات مالی مورد نیاز شرکت‌ها طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۶ در دسترس باشد؛ از اینرو پس از جمع‌آوری، تعداد ۷۰ شرکت از جامعه مورد نظر باقی مانده‌اند که در طی ۱۱ سال مورد بررسی جمعا ۸۴۰ سال- شرکت را دربر گرفت.

مدل پژوهش

هدف از آزمون فرضیه اول پژوهش، بررسی تأثیر کیفیت حسابداری بر قیمت سهام است؛ از اینرو به منظور آزمون فرضیه اول پژوهش مطابق با پژوهش مارک و همکاران (۲۰۰۹)، رانی (۲۰۱۱) و رایبو و رایبو (۲۰۱۵) از مدل (۱) به شرح زیر استفاده شده است.

$$P_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 DU_{i,t} + \beta_2 DB_{i,t} + \beta_3 SIZE_{i,t} + \beta_4 GROW_{i,t} + \beta_5 ROA_{i,t} + \beta_6 LEV_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۱)}$$

در مدل فوق P قیمت سهام، DU نوع گزارش حسابرِس، DB اندازه حسابرِس، $SIZE$ اندازه شرکت، $GROW$ رشد شرکت، ROA نرخ بازده دارایی‌ها، و LEV اهرم مالی است. در مدل (۱) دو متغیر (DU و DB) به عنوان متغیرهای کیفیت حسابداری می‌باشند؛ لذا چنانچه کیفیت حسابداری بر قیمت سهام تأثیرگذار باشد، ضریب β_1 و β_2 که منعکس‌کننده کیفیت حسابداری است، مثبت می‌باشد. هدف از آزمون فرضیه دوم پژوهش، بررسی تأثیر اطلاعات حسابداری بر قیمت سهام است؛ از اینرو به منظور آزمون فرضیه دوم پژوهش از مدل (۲) به شرح زیر استفاده شده است.

$$P_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 EPS_{i,t} + \beta_2 BV_{i,t} + \beta_3 SIZE_{i,t} + \beta_4 GROW_{i,t} + \beta_5 ROA_{i,t} + \beta_6 LEV_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۲)}$$

در مدل فوق EPS سود هر سهم، BV ارزش دفتری هر سهم است و سایر متغیرها مشابه با مدل‌های قبلی است. در مدل (۲) دو متغیر (BV و EPS) به عنوان متغیرهای اطلاعات حسابداری هستند؛ از اینرو اگر اطلاعات حسابداری بر قیمت سهام تأثیر بگذارد، ضریب β_1 و β_2 که منعکس‌کننده اثر اطلاعات حسابداری است، مثبت می‌باشد.

هدف از آزمون فرضیه سوم پژوهش، بررسی تاثیر کیفیت حسابرسي و اطلاعات حسابداری بر قیمت سهام است؛ از اینرو به منظور آزمون فرضیه سوم، تجزیه و تحلیل کیفیت حسابرسي و اطلاعات حسابداری بر قیمت سهام از مدل تعدیل شده السن (Ohlson, 1995) به شرح زیر استفاده شده است. السن (Ohlson, 1995) مدل ارزیابی سود باقی مانده را به منظور بررسی تاثیر اطلاعات حسابداری و سایر عوامل تاثیرگذار بر قیمت سهام ارائه کرد. مدل ارزیابی سود باقی مانده به صورت زیر است.

$$P_t = Y_t + \left(\frac{W}{R-W} \right) X_t + a CV_t$$

در مدل فوق P_t قیمت سهام، Y_t ارزش دفتری هر سهم، X_t سود اضافی هر سهم، CV_t سایر متغیرهای تاثیرگذار بر قیمت سهام، R نرخ بهره بدون ریسک و W نرخ رشد سودهای غیرعادی است. سپس، چن (۲۰۱۱) بر اساس پیشنهادات فلدام و السن (۱۹۹۹) مدل ارزیابی سود باقی مانده را به صورت زیر تعدیل کرد و نشان داد مقیاس های سود هر سهم و ارزش دفتری هر سهم ارزش های مربوط به اطلاعات حسابداری را بهتر نشان می دهند و توانایی و قدرت توضیح دهنده بیشتری از تغییرات قیمت سهام را دارند. مدل تعدیل شده السن (Ohlson, 1995) به صورت زیر است.

$$P_t = \left(\frac{RRR - RRR_w}{RRR - W} \right) Y_t + \left(\frac{RRR_w}{RRR - W} \right) X_t + \left(\frac{W - RRR_w}{RRR - W} \right) d_t + a CV_t$$

در مدل فوق P_t قیمت سهام، RRR نرخ بارده مورد انتظار، RRR_w نرخ هزینه ضمنی سرمایه، W نرخ رشد سود سودهای غیرعادی، Y_t ارزش خالص هر سهم، X_t سود هر سهم، d_t سود تقسیم شده هر سهم و CV_t سایر متغیرهای تاثیرگذار بر قیمت سهام است.

در مدل تعدیل شده سود باقی مانده، قیمت سهام تابعی از اطلاعات حسابداری و سایر متغیرهای تاثیرگذار بر اطلاعات است؛ از اینرو در این پژوهش برای آزمون فرضیه سوم پژوهش، با الگو گرفتن از مدل تعدیل شده السن (Ohlson, 1995) به بررسی تاثیر همزمان کیفیت حسابرسي و اطلاعات حسابداری بر قیمت سهام پرداخته شده و مدل (۳) به شرح زیر ارائه شده است.

$$P_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 D_{U_{i,t}} + \beta_2 D_{B_{i,t}} + \beta_3 EPS_{i,t} + \beta_4 BV_{i,t} + \beta_5 D_{U_{i,t}} \times EPS_{i,t} + \beta_6 D_{U_{i,t}} \times BV_{i,t} + \beta_7 D_{B_{i,t}} \times EPS_{i,t} + \beta_8 D_{B_{i,t}} \times BV_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۳)}$$

بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی و سودمند بودن ارزش اطلاعات حسابداری افشاء شده... === ۳۹

در مدل فوق، ضرایب β_5 تا β_8 منعکس کننده اثر افزایشی کیفیت حسابرسی و اطلاعات حسابداری بر قیمت سهام است؛ از اینرو اگر کیفیت حسابرسی و اطلاعات حسابداری به طور همزمان بر قیمت سهام تأثیر بگذارند، ضرایب β_5 تا β_8 مثبت می باشد.

به منظور آزمون فرضیه چهارم پژوهش، بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری از دو روش تحلیلی استفاده شده است. بدین ترتیب که شرکت ها به دو گروه شرکت ها با اظهار نظر مقبول و شرکت ها با اظهار نظر غیر مقبول تقسیم شده و ابتدا آزمون مقایسه میانگین ها و سپس مدل ۴ برای هر یک از این الگوها برآورد شده است.

$$P_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 EPS_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 GROW_{i,t} + \beta_4 ROA_{i,t} + \beta_5 LEV_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۴)}$$

متغیر وابسته

متغیر وابسته در این پژوهش قیمت بازار سهام است. قیمت سهام معمولاً یکی از مهم ترین معیار ارزیابی عملکرد موسسات است. این معیار به تنهایی دارای محتوای اطلاعاتی برای سرمایه گذاران است و برای ارزیابی عملکرد جاری شرکت ها مورد استفاده قرار می گیرد. در این پژوهش قیمت سهام از قیمت بازار هر سهم در پایان سال بدست می آید.

متغیر مستقل

متغیرهای مستقل در این پژوهش کیفیت حسابرسی و اطلاعات حسابداری است. در این پژوهش از دو متغیر DU ، نوع گزارش حسابررس و DB ، اندازه حسابررس به عنوان متغیرهای کیفیت حسابرسی استفاده شده است. این دو متغیر مجازی هستند و مقادیر آنها $\{0, 1\}$ است. نحوه اندازه گیری این دو متغیر به شرح زیر است.

DU نوع گزارش حسابررس: گزارش حسابررس ابزاری است که حسابررس از طریق آن نظرات خود را به قابل اتکا بودن اطلاعات مندرج در صورت های مالی را به استفاده کنندگان از گزارش های مالی منتقل می کند (Al-Thuneibat, Khamees and Al-Fayoumi, 2008). گزارشات حسابررس به دو نوع گزارش مقبول و غیرمقبول تقسیم می شود. برای محاسبه این متغیر اگر گزارش حسابرسی مقبول باشد عدد ۱ و در غیر این صورت عدد ۰ تعلق می گیرد.

DB اندازه حسابرس: پژوهشگران برای تمایز میان موسسات حسابرسی با کیفیت بالا از موسسات حسابرسی با کیفیت پایین از معیارهایی استفاده می کنند. درآمد موسسات حسابرسی کننده، قدمت و نام تجاری موسسات حسابرسی کننده نمونه هایی از معیارهای عمومی متمایز کننده موسسات حسابرسی از یکدیگر هستند (Boone, Khurana and Raman, 2010). در ایران موسسات حسابرسی بین المللی بزرگ فعالیت نمی کنند؛ لذا طبق نظریه اندازه موسسه حسابرسی موضوع رتبه بندی موسسات حسابرسی در ایران به دلیل نبود معیاری مناسب جهت متمایز کردن حسابرسان با کیفیت از سایر حسابرسان به خاطر عدم فعالیت موسسات حسابرسی بزرگ بین المللی مطرح گردیده است. معیارهای طبقه بندی موسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار عبارت است از معیارهای عادی (مانند معیارهای ارزیابی شرکاء، کارکنان، ساختار سرمایه و سازمان موسسه، تنوع ارائه خدمات و کیفیت خدمات) و معیارهای تخلفاتی (مانند سوابق تخلفاتی موسسه و شریک موسسه) که امتیاز منفی محسوب می شوند. جمع امتیازات موسسه حسابرسی براساس معیارهای مذکور مبنای تعیین طبقه موسسه حسابرسی است. بر حسب امتیاز کسب شده، موسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار در چهار طبقه اول، دوم، سوم و چهارم قرار می گیرند. طبق دستورالعمل رتبه بندی موسسات حسابرسی معتمد بورس، موسسات حسابرسی طبقه اول به احتمال زیاد کیفیت بالاتری نسبت به موسسات حسابرسی سایر طبقات باید داشته باشند. به عبارت دیگر، رتبه بندی موسسات حسابرسی توسط سازمان بورس و اوراق بهادار به عنوان معیاری برای تمایز کیفیت موسسات حسابرسی مطرح شده است. در این پژوهش، تمرکز بر روی موسسات حسابرسی طبقه اول است؛ زیرا به نظر می رسد طبق نظریه اندازه حسابرس، موسسات حسابرسی طبقه اول به دلیل کارکنان زیاد، قدمت و درآمد بیشتر خدمات حسابرسی را با کیفیت تر و با تضمین بیشتر و دقیق تری ارائه می کند و این احتمال را که صورت های مالی ممکن است، نتیجه تقلب یا سهل انگاری مدیریت باشد را کاهش می دهد و بر تصمیمات سرمایه گذاران در بازار موثر باشد؛ از اینرو به منظور اندازه گیری اندازه حسابرس، اگر براساس رتبه بندی موسسات حسابرسی معتمد بورس اوراق تهران، موسسات حسابرسی طبقه اول به عنوان حسابرس شرکت انتخاب شده باشد عدد ۱ و در غیر این صورت عدد ۰ تعلق می گیرد.

در این پژوهش از دو متغیر EPS، سود هر سهم و BV، ارزش دفتری هر سهم به عنوان متغیرهای اطلاعات حسابداری استفاده شده است که برگرفته از مدل ازریایی سود باقی مانده السن (Ohlson, 1995) است. نحوه اندازه گیری این دو متغیر به شرح زیر است.

EPS، سود هر سهم است که اطلاعات آن از صورت سود و زیان هر شرکت استخراج می شود.

BV، ارزش دفتری هر سهم است که از تقسیم حقوق صاحبان سهام بر تعداد سهام در جریان هر شرکت بدست می آید.

متغیر تعدیل گر

متغیر تعدیل گر متغیری است که جهت و شدت ارتباط بین متغیر مستقل و وابسته را تحت تاثیر قرار می دهد. در این پژوهش برای بررسی تأثیر همزمان کیفیت حسابرسی و اطلاعات حسابداری بر قیمت سهام از متغیر اثرات تعاملی کیفیت حسابرسی و اطلاعات حسابداری استفاده شده است. متغیر تعاملی کیفیت حسابرسی و اطلاعات حسابداری، از حاصل ضرب دو متغیر کیفیت حسابرسی و اطلاعات حسابداری تشکیل می شود که در آن برای اندازه گیری متغیر اطلاعات حسابداری از دو متغیر سود هر سهم و ارزش دفتری هر سهم استفاده شده است و برای محاسبه کیفیت حسابرسی از دو متغیر نوع گزارش حسابررس و اندازه حسابررس استفاده شده است. این متغیر در راستای بررسی تاثیر مشترک کیفیت حسابرسی و اطلاعات حسابداری بر قیمت بازار سهام در مدل پژوهش گنجانده شده است و ضرایب مثبت یا منفی آن در مدل نشان دهنده جهت متغیر و معنادار بودن ضرایب نشان دهنده تاثیر همزمان کیفیت حسابرسی و اطلاعات حسابداری بر قیمت سهام است. متغیر اثرات تعاملی کیفیت حسابرسی و اطلاعات حسابداری شامل متغیرهای: $D_U \times EPS$ حاصل ضرب نوع گزارش حسابررس در سود هر سهم؛ $D_B \times BV$ حاصل ضرب نوع گزارش حسابررس در ارزش دفتری هر سهم؛ $D_B \times EPS$ حاصل ضرب اندازه حسابررس در ارزش دفتری هر سهم و $D_B \times BV$ حاصل ضرب اندازه حسابررس در سود هر سهم می باشد که از آن ها برای نشان دادن اثر همزمان و افزایشی کیفیت حسابرسی و اطلاعات حسابداری بر قیمت بازار سهام استفاده شده است.

متغیر کنترلی

متغیرهای اندازه شرکت، رشد شرکت، نرخ بازده دارایی ها و اهرم مالی متغیرهای کنترلی پژوهش می باشند که در پژوهش های پیشین از آنها به عنوان متغیرهای موثر بر قیمت سهام یاد شده است (مارک و همکاران، ۲۰۰۹؛ رایبو و رایبو (۲۰۱۵) و بهرامفر و شمس عالم، ۱۳۹۲).

اندازه شرکت (SIZE)، یکی از متغیرهای مؤثر بر قیمت گذاری مقطعی سهام است. اگر سهام شرکت به صورت منطقی قیمت گذاری شود، تفاوت در متوسط بازده با تفاوت در ریسک شرکت ها مرتبط می شود؛ بنابراین با قیمت گذاری منطقی، اندازه شرکت متغیری برای تعیین حساسیت عوامل

ریسک به بازده است و این متغیر بخش مهمی از بازده مقطعی سهام را توجیه می‌کند (بهرامفر و شمس عالم، ۱۳۸۳). اندازه شرکت از طریق لگاریتم طبیعی فروش به دست می‌آید. استفاده از معیار فروش به جای معیارهای ارزش بازار در اندازه شرکت به دلیل ناکارایی بورس اوراق بهادار تهران و گردش معاملاتی کم می‌باشد. (ستایش و همکاران، ۱۳۹۴)

رشد دارایی‌ها (GROW)، رشد یکی از متغیرهای بنیادین مؤثر بر وضعیت آتی سودآوری شرکت‌ها و بازده سهام میزان سرمایه‌گذاری شرکت‌ها در دارایی‌های ثابت است که می‌تواند زمینه ساز دستیابی به بازده مطلوب در آینده شود (خواجوی و همکاران، ۱۳۹۳). برای محاسبه رشد مجموع دارایی‌ها در اول دوره از مجموع دارایی‌ها در پایان دوره کسر شده و سپس باقی‌مانده بر مجموع دارایی‌های اول دوره تقسیم شده است.

نرخ بازده دارایی‌ها (ROA)، یکی از متغیرهای مرتبط با سنجش عملکرد مدیران شرکت برای کسب بازده با توجه به منابع موجود است که از طریق تقسیم سود خالص به کل دارایی‌ها به دست می‌آید. اهرم مالی (LEV)، یکی از مقیاس‌های نسبت اهرمی است. این نسبت به طور بالقوه از قابلیت تفسیر بالایی برای پیش‌بینی تغییرات غیرعادی در قیمت سهام برخوردار است (بهرامفر و شمس عالم، ۱۳۸۳)؛ لذا سرمایه‌گذاران از این نسبت به عنوان عاملی برای تفسیر وضعیت آتی شرکت استفاده می‌کنند. این نسبت از طریق تقسیم کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها به دست می‌آید.

۵- یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

به منظور تجزیه و تحلیل اولیه داده‌ها، آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است. بر اساس این نتایج میانگین نوع اظهارنظر حسابرس ۰/۴۶۷ است که نشان می‌دهد از هر ۱۰ اظهارنظر حسابرس، به طور میانگین ۴ اظهارنظر از نوع مقبول است. همچنین میانگین اندازه حسابرس برابر ۰/۵۱۳ است که نشان دهنده این است که در شرکت‌های مورد بررسی از هر ۱۰ شرکتی که حسابرسی شده‌اند، به طور میانگین ۵ شرکت حسابرسی آنها توسط موسسات حسابرسی طبقه اول انجام شده است. میانگین نرخ بازده دارایی‌ها ۰/۱۴۵ است که نشان می‌دهد شرکت‌های انتخاب شده برای پژوهش به ازای هر ریال سرمایه‌گذاری در دارایی‌ها ۱۴ درصد بازدهی داشته‌اند و وضعیت سودآوری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس چندان ایده‌آل نیست. میانگین اهرم مالی بیان‌کننده این است که به طور متوسط ۶۳ درصد

بررسی تأثیر کیفیت حسابداری و سودمند بودن ارزش اطلاعات حسابداری افشاء شده... === ۴۳

از دارایی شرکت‌های مورد بررسی از محل بدهی‌ها تامین مالی شده‌اند. میانگین نرخ رشد دارایی‌ها با مقدار ۰/۱۹۶ نشان می‌دهد شرکت‌های نمونه دوره پژوهش، طی دوره پژوهش ۱۹ درصد رشد داشته‌اند.

جدول (۱): آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	میان	انحراف معیار	بیشترین	کمترین
قیمت سهام*	۶۸۱۳	۵۹۴۰	۱۰۰۶	۳۷۶۸۴	۵۰۰
اظهار نظر حسابرس	۰/۴۶۷	۰	۰/۱۲۸	۱	۰
اندازه حسابرس	۰/۴۰۳	۰	۰/۱۰۴	۱	۰
سود هر سهم*	۲۰۱۵	۲۱۳۳	۳۹۴	۹۲۴۷	-۱۹۱۴
ارزش دفتری هر سهم*	۲۶۷۴	۲۵۰۸	۱۶۲	۱۲۳۴۵	۰/۰۰۱
اندازه شرکت	۶/۴۳۸	۵/۸۲۴	۰/۴۲۵	۸/۲۶۴	۴/۶۱۹
نرخ رشد دارایی‌ها	۰/۱۹۶	۰/۱۶۲	۰/۰۴۷	۱/۱۸۹	-۰/۲۴۱
نرخ بازده دارایی‌ها	۰/۱۴۵	۰/۱۲۹	۰/۰۹۵	۰/۶۷۰	-۰/۱۵۷
اهرم مالی	۰/۶۳۴	۰/۶۴۰	۰/۱۲۸	۱/۰۸۱	۰/۰۹۹

* ذکر این نکته ضروری است که به منظور همگن کردن متغیرها، متغیرهای قیمت سهام، سود هر سهم و ارزش دفتری هر سهم برای استفاده در مدل‌های پژوهش بر تعداد سهام منتشر شده در پایان سال تقسیم می‌شوند.

برآورد مدل به روش داده‌های ترکیبی و بررسی مفروضات رگرسیون

در این پژوهش از الگوی رگرسیون چند متغیره مبتنی بر داده‌های ترکیبی برای آزمون فرضیه‌ها استفاده شده است؛ از اینرو از آزمون F لیمر برای تعیین نوع روش تخمین (روش داده‌های تلفیقی یا روش داده‌های پانل) و از آزمون هاسمن برای تعیین نوع الگو (اثرات تصادفی یا ثابت) استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون‌های فوق در جدول ۲ ارائه شده است که نشان می‌دهد برای مدل (۱) سطح معناداری آزمون F لیمر بیشتر از ۰/۰۵ است؛ لذا برای برآورد آن، مدل به روش داده‌های تلفیقی انتخاب می‌شود؛ اما از آنجا که برای بقیه الگوهای پژوهش سطح معناداری برای آزمون F لیمر و آزمون هاسمن کمتر از ۰/۰۵ است، مدل پانل با اثرات ثابت برای آنها انتخاب می‌شود.

جدول (۲): نتایج حاصل آزمون F لیمر و هاسمن

شماره مدل	آزمون F لیمر		آزمون هاسمن		
	آماره F	مقدار احتمال	مدل	آماره کای	مقدار احتمال
(۱)	۱/۰۴۶	۰/۲۸۱	تلفیقی	-	-
(۲)	۱/۹۲۷	۰/۰۰۰	پانل	۱۴/۵۶۸	۰/۰۰۳
(۳)	۲/۵۶۳	۰/۰۰۰	پانل	۳۲/۷۱۲	۰/۰۰۰
(۱، ۴)	۲/۱۳۴	۰/۰۰۱	پانل	۱۹/۵۸۶	۰/۰۰۰
(۲، ۴)	۱/۵۷۰	۰/۰۰۳	پانل	۱۲/۴۳۷	۰/۰۰۰

پس از انتخاب نوع الگوی مناسب برای هر یک از مدل‌های پژوهش، به بررسی مفروضات رگرسیون پرداخته شده است. در بررسی مفروضات رگرسیون، برای بررسی فرض ناهمسانی واریانس از آزمون والد تعدیل شده برای الگوهای پانل با اثرات ثابت و از آزمون وایت برای الگوهای تلفیقی استفاده شده است. در بررسی فرض صفر بودن کوواریانس بین اجزا خطا در طول زمان یا همان تشخیص خود همبستگی از آزمون ولدریچ برای هر دو الگوهای پانل با اثرات ثابت و تلفیقی استفاده شده است. در نهایت در بررسی فرض همخطی بین متغیرهای مدل از آزمون همخطی VIF استفاده شده است. نتایج حاصل از بررسی مفروضات رگرسیون در جدول ۳ و ۴ ارائه شده است. نتایج حاصل از آزمون والد تعدیل شده برای الگوهای پانل با اثرات ثابت در جدول ۳ نشان می‌دهد که تنها پسماندهای مدل برازش شده شماره (۳) دارای سطح معناداری بیشتر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین به جزء مدل شماره (۳) بقیه مدل‌های پژوهش دارای مشکل ناهمسانی واریانس هستند. نتایج حاصل از آزمون وایت برای الگوهای تلفیقی در جدول ۴ در سطح معناداری ۰/۰۵ حاکی از آن است که پسماندهای مدل برازش شده (۱) دارای سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین مدل (۱) دارای مشکل ناهمسانی واریانس است. نتایج حاصل از آزمون خود همبستگی ولدریچ در جدول ۳ و ۴ نشان می‌دهد که تنها بین باقیمانده‌های برخی از الگوهای پانل با اثرات ثابت مشکل خود همبستگی وجود دارد. برای رفع مشکل ناهمسانی واریانس و خود همبستگی در الگوهای پانل با اثرات ثابت از روش حداقل مربعات تعمیم یافته و برای رفع مشکل ناهمسانی واریانس در الگوهای تلفیقی از ضریب تصحیح وایت استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون همخطی VIF در جدول ۳ و ۴ بیانگر آن است که مقدار میانگین آماره VIF برای متغیرهای

بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی و سودمند بودن ارزش اطلاعات حسابداری افشاء شده... = ۴۵

مستقل در هر یک از مدل‌ها کمتر از ۵ است؛ لذا بین متغیرهای مستقل مدل‌های پژوهش مشکل همخطی حاد وجود ندارد.

جدول (۳): نتایج آزمون ناهمسانی واریانس و خود همبستگی برای الگوهای پانل با اثرات ثابت

شماره مدل	آزمون ناهمسانی واریانس والد			آزمون خود همبستگی ولدریچ			آزمون همخطی	
	آماره کای دو	مقدار احتمال	ناهمسانی	آماره کای دو	مقدار احتمال	خود همبستگی	میانگین آماره VIF	همخطی
(۲)	۲۷۳/۶۱۰	۰/۰۰۰	دارد	۱۵/۲۸۷	۰/۰۳۱	دارد	۱/۰۳۸	ندارد
(۳)	۵۲/۰۷۰	۰/۳۴۲	ندارد	۹/۶۰۱	۰/۲۱۴	ندارد	۱/۱۴۷	ندارد
(۱، ۴)	۴۰۷/۵۲۰	۰/۰۰۰	دارد	۴۳/۴۵۵	۰/۰۰۰	دارد	۱/۰۹۱	ندارد
(۲، ۴)	۳۸۵/۹۴۰	۰/۰۰۰	دارد	۴/۴۸۱	۰/۳۵۶۲	ندارد	۲/۰۴۵	ندارد

جدول (۴): نتایج آزمون ناهمسانی واریانس و خود همبستگی برای الگوهای تلفیقی

شماره مدل	آزمون ناهمسانی واریانس وایت			آزمون خود همبستگی ولدریچ			آزمون همخطی	
	آماره کای دو	مقدار احتمال	ناهمسانی	آماره کای دو	مقدار احتمال	خود همبستگی	میانگین آماره VIF	همخطی
(۱)	۱۰۹/۶۳۰	۰/۰۰۰	دارد	۱/۳۴۶	۰/۷۴۲	ندارد	۱/۸۳۵	ندارد

نتایج آزمون فرضیه‌ها

هدف از آزمون فرضیه اول پژوهش، بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر قیمت سهام است که برای این منظور از نوع گزارشات و اندازه حسابرسی به عنوان عوامل کیفیت حسابرسی استفاده شده است. نتایج آزمون فرضیه اول در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول (۵): نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش

متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	مقدار احتمال
نوع اظهارنظر	۰/۱۶۳	۰/۰۷۳	۲/۲۱۵	۰/۰۰۲۷
اندازه حسابرِس	۰/۰۵۸	۰/۰۵۹	۰/۹۸۷	۰/۳۱۹
اندازه شرکت	-۰/۰۲۲	۰/۰۰۴	-۵/۵۰۸	۰/۰۰۰
نرخ رشد دارایی ها	-۰/۰۱۲	۰/۰۰۵	-۲/۲۴۷	۰/۰۲۴
نرخ بازده دارایی ها	۰/۰۷۸	۰/۱۲۲	۰/۶۳۸	۰/۵۲۳
اهرم مالی	۰/۹۹۳	۰/۷۶۶	۱/۲۹۶	۰/۱۹۵
ضریب ثابت	-۰/۰۶۱۵	۰/۰۲۷	-۳/۳۵۸	۰/۰۱۸
ضریب تعیین تعدیل شده	ضریب تعیین	آماره F	مقدار احتمال	آماره دوربین واتسون
۰/۲۴۰	۰/۲۵۱	۴۵/۹۴۲	۰/۰۰۰	۲/۰۴۶

در بررسی معناداری مدل با توجه به نتایج جدول ۱۵ احتمال آماره F در سطح معناداری از ۰/۰۵ کوچک تر است که با اطمینان ۹۵٪ معنادار بودن مدل تایید می شود. مقدار آماره دوربین واتسون برابر با ۲/۰۴۶ است که با توجه به جدول آماره دوربین واتسون نشان می دهد بین باقیمانده های مدل خود همبستگی سریالی از نوع مرتبه اول وجود ندارد. همچنین مقدار ضریب تعیین تعدیل شده برابر ۰/۲۴۰ است که نشان می دهد متغیرهای مستقل و کنترلی مدل حدود ۲۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می کنند.

نتایج جدول ۵ در بررسی رابطه بین اولین متغیر کیفیت حسابرسی (نوع گزارشات حسابرِس) و قیمت سهام نشان می دهد، بین نوع اظهارنظر حسابرِس و قیمت سهام رابطه ای معنادار وجود دارد که با توجه به مثبت بودن مقدار ضریب ۰/۱۶۳ جهت این رابطه نیز مستقیم است. به عبارتی دیگر، مثبت بودن ضریب متغیر نوع اظهارنظر حسابرِس به این معنی است که گزارشات حسابرِس دارای محتوای اطلاعاتی است و بر تصمیمات سرمایه گذاران تاثیر می گذارد. این نتیجه را با توجه به محیط اقتصادی ایران، می توان اعتماد سرمایه گذاران به گزارشات حسابرِس دانست. همچنین نتایج جدول ۵ در بررسی رابطه بین متغیر اندازه موسسه حسابرسی و قیمت سهام نشان می دهد، ضریب متغیر اندازه حسابرِس از لحاظ آماری مثبت و در عین حال غیر معنادار است. ضریب مثبت اندازه حسابرِس ۰/۰۵۸ به معنی آن است که بین اندازه حسابرِس و قیمت سهام رابطه ای مستقیم وجود دارد؛ اما با توجه به این که سطح معناداری این رابطه بیشتر از ۰/۰۵

بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی و سودمند بودن ارزش اطلاعات حسابداری افشاء شده... ۴۷

است، این رابطه معنادار نیست؛ لذا ارتباط معناداری بین اندازه موسسه حسابرسی و قیمت سهام وجود ندارد.

هدف از آزمون فرضیه دوم پژوهش، بررسی تأثیر اطلاعات حسابداری بر قیمت سهام است که برای این منظور از سود هر سهم و ارزش دفتری هر سهم به عنوان معیارهایی برای اندازه گیری اطلاعات حسابداری استفاده شده است. نتایج آزمون فرضیه دوم در جدول ۶ ارائه شده است.

جدول (۶): نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش

متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	مقدار احتمال
سود هر سهم	۰/۱۰۹	۰/۰۳۸	۲/۸۱۰	۰/۰۰۵
ارزش دفتری هر سهم	-۰/۳۲۵	۰/۰۹۸	-۳/۳۱۵	۰/۰۰۱
اندازه شرکت	-۰/۰۹۹	۰/۰۴۹	-۲/۰۰۸	۰/۰۴۵
نرخ رشد دارایی‌ها	-۰/۰۱۱	۰/۰۰۳	-۳/۶۵۳	۰/۰۰۰
نرخ بازده دارایی‌ها	۰/۹۰۹	۰/۳۵۹	۲/۵۲۶	۰/۰۱۱
اهرم مالی	۰/۰۴۴	۰/۰۲۴	۱/۸۱۰	۰/۰۷۱
ضریب ثابت	۰/۳۵۷	۰/۰۰۱	۹/۳۹۸	۰/۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده	ضریب تعیین	آماره F	مقدار احتمال	آماره دوربین واتسون
۰/۳۱۸	۰/۳۳۵	۷۰/۶۰۹	۰/۰۰۰	۲/۰۹۷

در بررسی معناداری مدل با توجه به نتایج جدول ۶ احتمال آماره F در سطح معناداری از ۰/۰۵ کوچک‌تر است که با اطمینان ۹۵٪ معنادار بودن مدل تایید می‌شود. مقدار آماره دوربین واتسون برابر با ۲/۰۹۷ است که با توجه به جدول آماره دوربین واتسون نشان می‌دهد بین باقیمانده‌های مدل خود همبستگی سریالی از نوع مرتبه اول وجود ندارد. همچنین مقدار ضریب تعیین تعدیل شده برابر ۰/۳۱۸ است که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل و کنترلی مدل حدود ۳۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند.

نتایج مربوط به آزمون فرضیه دوم پژوهش، تأثیر اطلاعات حسابداری شامل سود هر سهم و ارزش دفتری هر سهم بر قیمت سهام نشان می‌دهد، بین سود هر سهم و قیمت بازار سهام رابطه‌ای مثبت و معنادار در سطح معناداری ۰/۰۵ وجود دارد. مثبت و معنادار بودن مقدار ضریب سود هر سهم ۰/۱۰۹ بدین معنا است که سود هر سهم از جمله اطلاعات حسابداری با اهمیت است که در تصمیمات سرمایه‌گذاران در قیمت‌گذاری سهام اثرگذار می‌باشد. به عبارتی دیگر، سود هر سهم دارای محتوای اطلاعاتی است و بر

تصمیمات سرمایه گذاران تاثیر می گذارد. همچنین، نتایج مربوط به آزمون فرضیه دوم پژوهش، در ارتباط با متغیر ارزش دفتری هر سهم حاکی از وجود رابطه ای منفی، بین ارزش دفتری هر سهم و قیمت سهام است؛ اما با توجه به این که سطح معناداری این رابطه بیشتر از ۰/۰۵ است، این رابطه معنادار نیست. منفی بودن مقدار ضریب ارزش دفتری هر سهم ۰/۳۲۵- به این معنی است که ارزش بازار سهام بیشتر از ارزش دفتری آن است. منفی بودن ضریب ارزش دفتری هر سهم را می توان توسط عدم اطمینان سرمایه گذاران به نتایج فعالیت های عملیاتی شرکت که می تواند تحت تاثیر نتایج احتمالی عملیات مدیریت قرار بگیرد، توضیح داد. همچنین، منفی بودن مقدار ضریب ارزش دفتری هر سهم به دلایل ذیل نیز می تواند باشد. اولاً، شرکت دارای ظرفیت هایی است که دارای ارزش دفتری نبوده و در دفاتر ثبت نشده است؛ ولی از طرفی بازار برای آن ارزش قائل است. ثانیاً، قدمت و سابقه فعالیت شرکت زیاد بوده و ارزش دفتری در مقایسه با شرکت های جدید کمتر است.

هدف از آزمون فرضیه سوم پژوهش، بررسی تاثیر کیفیت حسابرسی و اطلاعات حسابداری بر قیمت سهام است که برای این منظور از نوع گزارشات و اندازه حسابرسی به عنوان عوامل کیفیت حسابرسی و از سود هر سهم و ارزش دفتری هر سهم به عنوان معیارهایی برای اندازه گیری اطلاعات حسابداری استفاده شده است. نتایج آزمون فرضیه سوم در جدول ۷ ارائه شده است.

جدول (۷): نتایج آزمون فرضیه سوم پژوهش

متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	مقدار احتمال
D_U	۰/۶۹۷	۰/۲۶۲	۲/۶۶۰	۰/۰۰۸
D_B	۰/۱۱۲	۰/۰۶۵	۱/۱۷۱	۰/۰۸۷
EPS	۰/۱۹۹	۰/۰۷۶	۲/۶۱۸	۰/۰۰۹
BV	-۰/۰۳۲	۰/۰۱۳	-۲/۴۸۰	۰/۰۱۳
$D_U \times EPS$	۰/۶۴۵	۰/۲۰۰	۳/۲۳۱	۰/۰۰۱
$D_U \times BV$	-۰/۹۷۳	۰/۴۵۰	-۲/۱۶۰	۰/۰۳۱
$D_B \times EPS$	-۰/۱۵۱	۰/۰۵۳	-۲/۸۴۱	۰/۰۰۴
$D_B \times BV$	۰/۰۴۳	۰/۰۵۱	۰/۸۵۰	۰/۳۹۵
β_0	-۱/۱۷۲	۰/۲۳۸	۴/۹۲۰	۰/۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده	ضریب تعیین	آماره F	مقدار احتمال	آماره دوربین واتسون
۰/۴۵۱	۰/۴۷۴	۹۴/۰۹۳	۰/۰۰۰	۱/۹۵۸

در بررسی معناداری مدل با توجه به نتایج جدول ۷ احتمال آماره F در سطح معناداری از ۰/۰۵ کوچکتر است که با اطمینان ۹۵٪ معنادار بودن مدل تایید می شود. مقدار آماره دوربین و اتسون برابر با ۱/۹۸۵ است که با توجه به جدول آماره دوربین و اتسون نشان می دهد بین باقیمانده های مدل خود همبستگی سریالی از نوع مرتبه اول وجود ندارد. همچنین مقدار ضریب تعیین تعدیل شده برابر ۰/۴۵۱ است که نشان می دهد متغیرهای مستقل و کنترلی مدل حدود ۴۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می کنند.

در بررسی معناداری ضرایب، نتایج مربوط به آزمون فرضیه سوم پژوهش نشان می دهد مقدار ضریب اثرات متقابل سود هر سهم و نوع اظهار نظر حسابرس مثبت و معنادار است. مثبت بودن ضریب این متغیر ۰/۶۴۵ بدین معنا است که اثرات متقابل سود هر سهم و نوع اظهار نظر حسابرس با قیمت سهام رابطه ای مستقیم دارد. مقادیر مثبت این متغیر ارتباط یک اظهار نظر مقبول و اعتماد سرمایه گذاران را تقویت می کند و به این حقیقت اشاره می کند که ارزش سود ثبت شده توسط شرکت به رشد بازده سهام شرکت کمک می کند. نتایج مربوط به آزمون فرضیه سوم پژوهش، در ارتباط با اثرات متقابل ارزش دفتری هر سهم و نوع اظهار نظر حسابرس بر قیمت بازار سهام نشان می دهد، بین ارزش دفتری هر سهم با توجه به نوع اظهار نظر حسابرس و قیمت سهام رابطه ای منفی و معنادار در سطح معناداری ۰/۰۵ وجود دارد. مقدار منفی ضریب این متغیر ۰/۹۷۳- به معنی آن است که جهت این رابطه نیز معکوس می باشد. تأثیر منفی ضریب این متغیر بر قیمت بازار سهام را می توان توسط عدم اطمینان سرمایه گذاران به ارزش های دفتری ارائه شده توسط شرکت توضیح داد. این نتیجه بر عدم توانایی مدیران برای مدیریت ارزش دفتری هر سهم و ارزش بازار هر سهم تاکید می کند. همچنین نتایج نشان می دهد که ضریب اثرات متقابل سود هر سهم و اندازه حسابرس منفی و معنادار است. با توجه به منفی بودن ضریب این متغیر ۰/۱۵۱- می توان گفت اثرات متقابل سود هر سهم و اندازه حسابرس با قیمت سهام رابطه ای معکوس دارد، هر چند که این نتیجه تأییدی بر فرضیه سوم پژوهش است؛ اما این رابطه برخلاف مبانی نظری پژوهش است. همچنین نتایج مربوط به آزمون فرضیه سوم پژوهش، در ارتباط با متغیر اثرات متقابل ارزش دفتری هر سهم و اندازه حسابرس بر قیمت بازار سهام نشان می دهد، مقدار ضریب متغیر اثرات متقابل ارزش دفتری هر سهم و اندازه حسابرس ۰/۰۴۳ و غیر معنادار است. این نتیجه به معنای آن است که بین ارزش دفتری هر سهم با توجه به اندازه حسابرس و قیمت سهام رابطه ای مثبت وجود دارد؛ اما با توجه به این که سطح معناداری این رابطه بیشتر از ۰/۰۵ است این رابطه معنادار نیست.

هدف از آزمون فرضیه چهارم پژوهش، بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر سودمندی اطلاعات حسابداری است که برای این منظور با توجه به نتایج فرضیه های پیشین از نوع گزارش های حسابرس به

عنوان عامل کیفیت حسابرسی و از سود هر سهم به عنوان معیاری برای اندازه گیری اطلاعات حسابداری استفاده شده است. به منظور آزمون فرضیه چهارم بدین شیوه عمل شده است که در ابتدا بر مبنای کیفیت حسابرسی (نوع گزارش حسابرس) شرکت ها به دو گروه شرکت ها با اظهارنظر مقبول و شرکت ها با اظهارنظر غیر مقبول تقسیم شده است. سپس آزمون مقایسه میانگین ها برای هر یک از این الگوها برآورد شده است. نتایج آزمون فرضیه چهارم در جدول ۸ گزارش شده است.

جدول (۸): نتایج آزمون مقایسه میانگین ها

متغیر	شرکت ها با اظهارنظر مقبول (a)			شرکت ها با اظهارنظر غیر مقبول (b)			تفاوت میانگین (a-b)
	میانگین	انحراف معیار	میانه	میانگین	انحراف معیار	میانه	
سود هر سهم	۲/۰۰۳	۱/۸۵۹	۰/۹۹۴	۰/۹۷۲	۱/۱۶۹	۰/۶۲۰	۱/۰۳۱*

* سطح معناداری ۵ درصد را نشان می دهد

نتایج ارائه شده در جدول ۸ نشان می دهد میانگین، انحراف معیار و میانه در شرکت های دارای اظهار نظر مقبول در مقایسه با شرکت های دارای اظهارنظر غیرمقبول بیشتر است. به عیار تی دیگر، سود هر سهم شرکت های دارای اظهارنظر مقبول مربوط تر است. این نتیجه نشان می دهد سود هر سهم به عنوان معیار مربوط بودن اطلاعات حسابداری، در شرکت های دارای کیفیت حسابرسی بالاتر (دارای گزارش حسابرس مقبول) در مقایسه با سایر شرکت ها بیشتر است. این موضوع موید این است که کیفیت حسابرسی بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری تأثیر مثبت می گذارد.

در ادامه به منظور استحکام نتایج و آزمون فرضیه چهارم پژوهش، با تقسیم شرکت ها به دو گروه شرکت ها با اظهارنظر مقبول و شرکت ها با اظهارنظر غیرمقبول، مدل ۴ برای هر یک از زیر گروه ها برآورد شده است که نتایج آن در جدول ۹ گزارش شده است. همان طور که نتایج در جدول ۹ نشان می دهد، ضریب تعیین برای شرکت های دارای اظهار نظر مقبول در مقایسه با شرکت های دارای اظهارنظر غیرمقبول بیشتر است. این نتیجه نشان می دهد، نوع اظهارنظر مقبول سبب تقویت رابطه بین سود هر سهم و قیمت بازار سهام شده است. به بیانی دیگر، سود هر سهم شرکت های دارای اظهارنظر مقبول در مقایسه با شرکت های دارای اظهارنظر غیرمقبول، مربوط تر و قابل اتکاتر در تصمیمات سرمایه گذاران بوده است و دارای محتوای اطلاعاتی بیشتری است.

بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی و سودمند بودن ارزش اطلاعات حسابداری افشاء شده... = ۵۱

جدول (۹): نتایج آزمون فرضیه چهارم پژوهش و برازش مدل (۴)

شرکت‌ها با اظهارنظر مقبول (N=393)			شرکت‌ها با اظهارنظر غیرمقبول (N=447)		
متغیر	ضریب	آماره t	مقدار احتمال	ضریب	آماره t
سود هر سهم	۰/۰۹۲	۶/۶۰۴	۰/۰۰۰	۰/۰۳۵	۴/۵۴۳
اندازه شرکت	-۰/۳۳۱	-۹/۱۶۱	۰/۰۰۰	-۰/۲۴۹	-۵/۵۸۰
نرخ رشد دارایی‌ها	-۰/۱۴۰	-۴۷/۱۵۲	۰/۰۰۰	-۰/۱۱۵	-۴/۲۵۲
نرخ بازده دارایی‌ها	۰/۷۴۱	۲/۰۱۹	۰/۰۴۴	۰/۷۱۲	۱/۹۸۹
اهرم مالی	۰/۰۱۴۳	۰/۷۸۹	۰/۴۳۰	۰/۲۱۰	۲/۴۰۸
ضریب ثابت	۰/۱۱۰	۲/۰۷۱	۰/۰۳۹	۰/۴۶۷	۷/۴۰۷
آماره	ضریب تعیین	آماره F	مقدار احتمال	ضریب تعیین	آماره F
مقدار آماره	۰/۲۶۲	۲۷/۵۹۷	۰/۰۰۰	۰/۲۳۵	۲۷/۱۲۸

۶- نتیجه‌گیری

در این پژوهش با استفاده از روش داده‌های ترکیبی به بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی و سودمند بودن ارزش اطلاعات حسابداری افشاء شده شرکت‌ها بر قیمت بازار سهام پرداخته شده است؛ از اینرو با بررسی ادبیات برای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی دو معیار متفاوت بودن نوع اظهارنظر حسابر و اندازه موسسه حسابرسی استفاده شده است. به منظور کمی کردن متغیر اطلاعات حسابداری نیز دو متغیر سود هر سهم و ارزش دفتری هر سهم در نظر گرفته شده است.

یافته‌های پژوهش در رابطه با آزمون فرضیه اول، بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر قیمت سهام نشان داد، بین نوع اظهارنظر حسابر و قیمت سهام رابطه‌ای مستقیم و معنادار وجود دارد؛ اما بین اندازه حسابر و قیمت سهام رابطه معناداری وجود ندارد که با توجه به اینکه تمرکز پژوهش بر روی موسسات حسابرسی طبقه اول بوده است، این یافته بیانگر این می‌باشد که تعصب و تمایل شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران در انتخاب موسسات حسابرسی طبقه اول به عنوان حسابر تأثیری بر روی قیمت بازار سهام شرکت ندارد و تمرکز بر روی اندازه حسابر از جانب سرمایه‌گذاران به هنگام تصمیم‌گیری در بازار سرمایه به توجه بیشتری نیاز دارد. نتایج بدست آمده مربوط به نوع گزارش حسابر در این پژوهش همسو با پژوهش‌هایی مانند رابیو و رابیو (۲۰۱۵) در بورس رومانی است و از نظر متغیر اندازه حسابر مطابق با پژوهش پورحیدری (۱۳۹۴) و رانی (۲۰۱۱) در بورس نیوزلند و مخالف پژوهش رابیو (۲۰۱۵) در بورس رومانی است.

نتایج مربوط به آزمون فرضیه دوم پژوهش، بررسی تأثیر اطلاعات حسابداری بر قیمت بازار سهام نشان داد، بین سود هر سهم و قیمت بازار سهام رابطه‌ای مثبت و معنادار و در عین حال بین ارزش دفتری هر سهم و قیمت سهام رابطه‌ای منفی و غیرمعنادار وجود دارد. معنادار بودن ضریب متغیر سود هر سهم نشان می‌دهد، سود هر سهم از جمله اطلاعات مربوط و قابل اتکا در تصمیمات سرمایه‌گذاران است و دارای محتوای اطلاعاتی می‌باشد. همچنین، مقادیر منفی ضریب ارزش دفتری هر سهم حاکی از وجود مشکلاتی در میان فعالیت‌های شرکت‌ها می‌باشد که ممکن است تحت تأثیر رویه‌های حسابداری یا نتیجه عملیات مدیریت یا متغیرهای کلان مانند تورم که به سرعت در قیمت بازار سهام منعکس می‌شود، باشد. این مساله می‌تواند به دستکاری بازار و بطور ضمنی دستکاری سرمایه‌گذار منجر شود. نتایج بدست آمده از نظر متغیر سود هر سهم در این پژوهش همسو با پژوهش‌هایی مانند مارک و همکاران (۲۰۰۹) و رانی (۲۰۱۱) در بورس نیوزلند است و از نظر متغیر ارزش دفتری هر سهم مخالف پژوهش قسیم عثمانی و حسینی (۱۳۹۶) است.

یافته‌های پژوهش در رابطه با آزمون فرضیه سوم، بررسی تأثیر کیفیت حسابداری و اطلاعات حسابداری بر قیمت سهام نشان داد، بین اثرات متقابل سود هر سهم و نوع اظهارنظر حسابرس رابطه‌ای مثبت و معنادار و در عین حال بین اثرات متقابل ارزش دفتری هر سهم و نوع اظهارنظر حسابرس رابطه‌ای منفی و معنادار با قیمت سهام وجود دارد. مقادیر مثبت ضریب اثرات متقابل سود هر سهم و نوع اظهارنظر حسابرس، ارتباط یک اظهارنظر مقبول و اعتماد سرمایه‌گذاران به سود گزارش شده توسط شرکت را تقویت می‌کند. در عین حال مقدار منفی ضریب متغیر اثرات متقابل ارزش دفتری هر سهم و نوع اظهارنظر حسابرس تأکیدی بر وجود مشکلات در میان فعالیت‌های شرکت و عدم توانایی مدیران برای مدیریت ارزش دفتری هر سهم و ارزش بازار هر سهم است. نتایج آزمون فرضیه سوم پژوهش در بررسی متغیر اثرات متقابل سود هر سهم و اندازه حسابرس نشان داد بین اثرات متقابل سود هر سهم و اندازه حسابرس رابطه‌ای منفی و معنادار با قیمت سهام وجود دارد که این رابطه برخلاف مبانی نظری پژوهش می‌باشد. همچنین، نتایج نشان داد بین اثرات متقابل ارزش دفتری هر سهم و اندازه حسابرس رابطه‌ای مثبت و غیرمعنادار با قیمت سهام وجود دارد. نتایج بدست آمده مربوط به ضریب متغیر اثرات متقابل سود هر سهم و اندازه حسابرس مخالف با نتایج پژوهش مارک و همکاران (۲۰۰۹) و رانی (۲۰۱۱) است. نتایج بدست آمده مربوط به ضریب متغیر اثرات متقابل سود هر سهم و اندازه حسابرس و ضریب متغیر اثرات متقابل ارزش دفتری هر سهم و اندازه حسابرس در این پژوهش مخالف نتایج پژوهش رانی (۲۰۱۱) می‌باشد.

یافته‌های پژوهش در رابطه با آزمون فرضیه چهارم، بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر مربوط بودن اطلاعات نشان داد، کیفیت حسابرسی بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری تأثیر مثبت می‌گذارد و سود هر سهم در شرکت‌های دارای کیفیت حسابرسی بالاتر، مربوط‌تر است. نتایج آزمون فرضیه چهارم، مطابق با یافته‌های فرنسیس (۲۰۰۸)، بون و همکاران (۲۰۱۰) و رانی (۲۰۱۱) است.

پیشنهادهای محدودیت‌ها

حسابرسان از دانش، آموزش و تجربه متفاوتی نسبت به همکاران حرفه‌ای دیگر برخوردارند. اما موضوع حسابرسی در ایران متفاوت از سایر کشورها است؛ زیرا حسابرسان در ایران، در همه نوع حسابرسی و صنعت دخالت دارند که این امر موجب شده بر اساس نتایج پژوهش ارتباط بین موسسات بزرگ حسابرسی با قیمت بازار سهام غیرمعنادار شود؛ در حالی که در کشوری مثل رومانی که دارای بازاری نوظهور است، این رابطه مثبت و معنادار است؛ بنابراین توصیه می‌شود سازمان بورس اوراق بهادار تهران برای انتخاب حسابرسان معتمد، شرایط سختگیرانه‌تری را قائل شود و قوانین سارینتز - اکسلی را در ایران اجرایی کند. با توجه به این که نتایج پژوهش نشان داد ارزش دفتری هر سهم تأثیری منفی بر قیمت سهام دارد به مدیران توصیه می‌شود، توجه بیشتری به نزدیک کردن ارزش دفتری هر سهم به ارزش بازار آن کنند؛ زیرا این نتیجه وجود مشکلات در میان فعالیت‌های شرکت و تجسم عدم توانایی مدیران برای مدیریت کردن ارزش دفتری هر سهم و ارزش بازار آن را نشان می‌دهد. برای پژوهش‌های آتی توصیه می‌شود واکنش سرمایه‌گذاران به تغییر حسابرسان و اثر آن بر قیمت سهام در پژوهش‌های آتی مورد توجه قرار گیرد. همچنین تأثیر کیفیت حسابرسی بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری با در نظر گرفتن سایر متغیرهای کیفیت حسابرسی همچون دوره تصدی و تخصص‌گرایی با استفاده از الگوهای ریاضی و آماری جدید مورد بررسی قرار گیرد. در ارتباط با محدودیت‌های پژوهش، در این پژوهش، اثرات ناشی از عوامل کلانی مانند تورم می‌تواند بر نتایج پژوهش اثرگذار باشد که اثرات ناشی از این عوامل در پژوهش در نظر گرفته نشده است. همچنین در این پژوهش، اثرات نوع صنعت در نظر گرفته نشده است، با توجه به شدت و ضعف روابط در صنایع مختلف باید به تأثیر صنایع مختلف در تفسیر نتایج توجه شود. در نهایت برخی از عوامل دورن سازمانی یا برخی از سیاست‌های منفعت طلبانه مدیران که می‌تواند بر نتایج پژوهش اثرگذار باشد؛ اما اثر این عوامل در پژوهش در نظر گرفته نشده است.

منابع و مآخذ

۱. اسکات، ویلیام. (۱۳۹۴). تئوری حسابداری مالی. علی پارسیان، تهران، نشر ترمه، جلد اول، ۲۳۶.
۲. بنی مهد، بهمن؛ علی احمدی، سعید. (۱۳۹۱). بررسی تحلیلی سودمندی گزارش های حسابرسی در بازار سرمایه. دانش حسابداری و حسابداری مدیریت، ۶، ۱۳-۲۹.
۳. بهرامیفر، نقی؛ شمس عالم، سید حسام. (۱۳۸۳). بررسی تاثیر متغیرهای حسابداری بر بازده غیر عادی آتی سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه بررسی های حسابداری و حسابرسی، ۱۱ (۳۷)، ۲۳-۵۰.
۴. پورحیدری، امید؛ برهانی نژاد، سعیده. (۱۳۹۴). بررسی تاثیر کیفیت حسابداری بر به موقع بودن گزارش حسابرسی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. دانش حسابرسی، ۵۸، ۸۵-۱۰۴.
۵. حیدری، مهدی. قادری، بهمن. رسولی، پیمان. (۱۳۹۵). بررسی تاثیر کیفیت حسابرسی بر هزینه های نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی: رویکرد الگوسازی معادلات ساختاری. فصلنامه بررسی های حسابداری و حسابرسی، ۲۳ (۳)، ۳۷۳-۳۵۳.
۶. خواجوی، شکرالله؛ بهپور، منصور؛ ممتازیان، علیرضا. (۱۳۹۳). بررسی رابطه متقابل رشد و سودآوری شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از سیستم معادلات همزمان. فصلنامه بررسی های حسابداری و حسابرسی، ۲۱ (۱)، ۷۳-۸۸.
۷. ستایش، محمد حسین؛ ممتازیان، علیرضا و بهپور، سجاد (۱۳۹۴)، بررسی رابطه غیرخطی بین رشد و سودآوری در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مدیریت دارایی و تأمین مالی، ۳(۴)، ۵۱-۶۶.
۸. شمس الدینی، کاظم؛ جوکار، حسین؛ دانشی، وحید. (۱۳۹۶). بررسی تاثیر کیفیت حسابرسی بر کیفیت اطلاعات حسابداری و عدم اطمینان اطلاعاتی. پژوهش های نوین در حسابداری و حسابرسی، ۱ (۴)، ۱۲۳-۱۵۴.
۹. فغانی ماکرانی، خسرو. (۱۳۹۴). بررسی میزان مربوط بودن ارزش دفتری، سود حسابداری و جریان وجه نقد با قیمت سهام. حسابداری مدیریت، ۸(۲۴)، ۴۳-۵۹.
۱۰. مراد زاده فرد، مهدی؛ رحمن نژاد، قادر. (۱۳۹۰). بررسی اثر نوع حسابرسی بر مربوط بودن ارزش سود حسابداری در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. حسابداری مدیریت، ۱۰، ۵۱-۶۲.

۱۱. ولک، هری. (۱۳۹۴). تئوری حسابداری مالی. غلامرضا کرمی، تهران، انتشارات نگاه دانش، جلد اول.
۱۲. قنیم عثمانی، محمد؛ حسینی، سید محسن. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر اندازه حسابرس بر بار ارزشی سود و حقوق صاحبان سرمایه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. دانش حسابرسی، ۱۶(۶۵)، ۵-۲۴.
۱۳. نیکخواه آزاد، علی. (۱۳۹۴). بیانیه مفاهیم بنیادی حسابرسی. تهران، انتشارات سازمان حسابرسی.
14. Al-Thuneibat, A., Khamees, B. & Al-Fayoumi, N. (2008). The effect of qualified auditors' opinions on share prices: evidence from Jordan. *Managerial Auditing Journal*, 23, 84-101.
15. Becker, C. & Defond, M., Jiambalvo, J. & Subramanyam, K (1998). The effects of audit quality on earnings management. *Contemporary Accounting Research*, 15, 1-24.
16. Ball, R. & Brown, P. (1968) An Empirical Evaluation of Accounting Income Numbers. *Journal of Accounting Research*, 6, 159-178.
17. Barton, J., & Hansen, T. B. (2010). Which performance measures do investors around the world value the most - and Why. *The Accounting Review*, 85, 753-789.
18. Beneish, M. Billings, M. & Hodder, L. (2008). Internal control weaknesses and information uncertainty. *The Accounting Review*, 83, 665-703.
19. Boone, J., Khurana, I., & Raman, K. (2010). Do the Big 4 and the Second-tier firms provide audits of similar quality? *Journal of Accounting and Public Policy*, 29, 330-352.
20. Cornell, B., Landsman, W., & Stubben, S., (2014). Accounting information, investor sentiment, and market pricing. Working paper.
21. DeAngelo, L. (1981). Auditor size and audit quality. *Journal of Accounting and Economics*, 183-199.
22. Dopuch, N., & Holthausen, R. & Leftwich, R. (1987). Predicting audit qualifications with financial and market variables. *The Accounting Review*, 62, 431-455.
23. Francis, J. & K. Schipper. (1999). Have Financial Statements Lost their Relevance? *Journal of Accounting Research*, 37, 319-352.
24. Francis, J., & Wang, D. (2008). The joint effect of investor protection and big 4 audits on earnings quality around the world. *Contemporary Accounting Research* 25, 157-191.
25. Gentry, R. J., & Shen, W. (2010). The Relationship between Accounting and Market Measures of Firm Financial Performance: How Strong Is It? *Journal of Managerial Issues*, 22, 514-530.
26. Gomez, G. (2008). The usefulness of the audit report in investment and financing decisions. *Managerial Auditing Journal*, 18, 549-559.
27. Ittonen, K. (2012). Market reactions to qualified audit reports: research approaches. *Accounting Research Journal*, 25, 8-24.

28. Ittonen, K. (2010). Investor Reactions to Disclosures of Material Internal Control Weaknesses. *Managerial Auditing Journal*, 25, 259-268.
29. Lambert, R. & Leuz, C. & Verrecchia, R. (2007). Accounting information, disclosure, and the cost of capital. *Journal of Accounting Research*, (May), 31, 385-420.
30. Loudder, M. & Khurana, I. (1992). The information content of audit qualifications. *A Journal of Practice and Theory*, 11, 69-82.
31. Mark, A., Christopher, K. M., & Woon, K. (2009). Auditor Quality and the Role of Accounting Information in Explaining UK Stock Returns. *Cardiff Economics Working Papers*.
32. Menon, K., & Williams, D. (2010). Investor Reaction to Going Concern Audit Reports. *The Accounting Review*. 85, 2075-2105.
33. Merchant, M. A. (2006). Measuring general managers' performances. Market, accounting and combination-of-measures systems. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 19, 893-917.
34. Newman, D. (2005). The role of auditing in investor protection. *Accounting Review*, 80, 289-313.
35. Ohlson, J., (1995). Earnings, book values, and dividends in equity valuation. *Contemp. Account. Res.* 11 (2), 661-687.
36. Palmrose, Z. (1988). An analysis of auditor litigation and audit service quality. *The Accounting Review*, 63, 55-73.
37. Rani, M., (2011). The Effects of Audit Committee Characteristics on the Value Relevance of Accounting Information-Evidence from New Zealand. *Master of Business dissertation*.
38. Paula, A., & Francisco, A. (2016). The change of auditor: The Portuguese case. *Revisit de Contabilidade – Spanish Accounting Review*, 19, 181-186.
39. Pucheta, M. Vico, A. & Garcia, M. (2004). Reactions of the Spanish capital market to qualified audit reports. *European Accounting Review*, 13, 689-711.
40. Robu, M., & Robu. I (2015). The influence of the audit report on the relevance of accounting information reported by listed Romanian companies. *Procedia Economics and Finance*, 20, 562-570.
41. Schaub, M. & Highfield, M. (2003). On the information content of going concern opinions: the effects of SAS numbers 58 and 59. *Journal of Asset Management*, 4, 22-31.
42. Ugwunta, D. O., Ugwuanyi, B. U., & Ngwa, CH. U. (2018). Effect of audit quality on market price of firms listed on the Nigerian stock market, *Journal of Accounting and Taxation*, 10(6), 61-70.
43. Watkins, A. L., Hillison, W., & Morecroft, S. E. (2004). Audit quality: A synthesis of theory and empirical evidence. *Journal of Accounting Literature*, 23, 153-193.
44. Yang, J., & Jiang, Y. (2008). Accounting information quality, free cash flow and overinvestment: A Chinese study. *Business Review*, 11 (1), 159-166.

45. Zhu, B., & Niu, F. (2016). Investor sentiment, accounting information and stock price: Evidence from China. *Pacific-Basin Finance Journal*, 38 (3), 125-134.

The influence of the audit quality and usefulness of disclosed accounting information on the stock price

Hossein Jokar^f

Noorollah Salehi^g

Sajad Hamza Nejad^h

Abstract:

Several studies focused in the Tehran Stock Exchange, the relationship between audit quality or accounting information on stock market price, but; few studies paid to investigate the relation between Interaction audit quality and accounting information on stock market price of the company. So, the purpose of this paper is investigating the effect of audit quality and Values related to accounting information on stock market price. For this purpose, a sample consisting of 456 year - firm listed in the Tehran stock exchange during 2006 – 2014, with the multivariate regression analysis, were used. For empirically test the variables. The findings show, that there is a significant positive relationship between audit reports with stock market prices. But is not a significance relationship between the size of the auditor and stock market prices. Also, the findings show a significant positive relationship between earnings per share with stock market prices. In addition, there is a significant negative relationship between the book value per share and stock prices. In addition, there is a significant positive relationship between the auditor opinion and earnings per share with stock market prices, but there is a significant negative relationship was found between Interaction effects the auditor opinion and book value per share and Interaction effects the size auditor and earnings per share ' with' stock market prices. Also, is not a significance relationship between Interaction effects the size of the auditor and book value per share with stock market prices.

Keywords: Audit Quality, Accounting Information, Stock Market Price

JEL Classification: G10, G11, G14

4 . MSc. Accountingt, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran. abas.jokar1388@gmail.com

5. Assistant Prof economic, Shahid Bahonar University of Kerman, kerman, Iran.

6. MSc. Accounting, Allameh Tabatabaei University, Theran, Iran